

ایجاد ناامنی از سوی ضدانقلاب

تهدید «حرمت آزادی»

چه باید کرد؟

در صفحه سوم

اقتصاد کشور در راه فلج کلی

باید بخود آمد و راهی برای خروج از بن بست یافت

اقتصاد خود غافل ماند در همان حال که برای رفع دشواریهای سیاسی، کوشش میشود، می توان برای رشد توسعه اقتصادی هم تلاش کرد دشواریهای سیاسی ما همچنان نیست که یک سره توان حرکت اقتصادی را از ما بقیه در صفحه ششم

در گریهها و دشواریهای سیاسی کشور بسیار است. همه کشورها کمتر یا بیشتر به دشواریهای سیاسی دچارند بی تردید دشواریهای ایران از همه بیشتر و پیچیده تر است و بی تردید برای بیان برداشتن دشواریهای سیاسی باید بیشترین نیروی ممکن را بسیج کرد. ولی به دشواریهای سیاسی دچار بودن و برای از میان بردن آن بسیج نیرو کردن نباید به معنای تعطیل سایر زمینههای زندگی اجتماعی تلقی شود. بسیاری کشورها در حال برداشتن جنگها از پرداختن

تعهد سنگین در برابر ملت

تداوم انقلاب در گرو ایجاد دولت با اقتدار

زمان بسیاری را از دست داده ایم، و فرصتی کوتاه در برابر داریم. در این فرصت کوتاه باید پایه های انقلاب را استوار سازیم، بدانگونه که هرگز بیم تزلزل آن به میان نیاید. اگر فرصت کوتاهی را که در برابر داریم چون گذشته از دست بیهیم بی گفتگو انقلاب را به خطر افکنده ایم، خطری جدی و بسیار جدی.

انقلاب اسلامی ملت ایران، همه حسابهای جهانی امپریالیسم آمریکا را آشکارا برهم زده، و آمریکا را به درد و حسرت بقیه در صفحه ۵

زادروز حضرت فاطمه (ع) فرخنده باد

امروز مصادف است با زادروز بزرگترین افتخار زنان با فرهنگ و مبارز تاریخ، خجسته روزی که بانوی بزرگ اسلام پای بر عرصه زندگی نهاد.

امید است زنان این سرزمین بدنبال آزادی از قیدهای ضد انسانی و فریبنده استعمار ساخته، با الهام از آموزه های این دختر گرامی پیامبر خدا بتوانند در این دوران پرشکوه سازندگی بسان ماههای درخشان انقلاب پیشگام و پیکارگر باشند.

چنین باد و برهم میهنان مسلمان، این آغاز فرخنده.

استراتژی امپریالیستها در برخورد با ایران

صحنه های اصلی نبرد

ملت ما، در مبارزهای بزرگ درگیر شده است. در این مبارزه نابرابر، همه نیروها و جلوهها و جنبه های استعمار، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ملت ما را به ستیز خوانده است. امپریالیسم

برگزارکنندگان انتخابات در پیشگاه ملت ایران محکومند

لکه سیاه

بدان انقلاب شکوهمند ملت ایران لکه سیاهی نمایان است لکه سیاهی که محصول تخلفها و تقلبهای گروه انحصارطلبی میباشد که رای ملت را ببازی گرفتارند و خواست مردم را فدای بقیه در صفحه ۴

دفاع از ایران با شعار امکان پذیر نیست

پس از حمله نظامی آمریکا، چشمها را باید بازتر کرد

مجله تایم ۵ ماه مه ۱۹۸۰ زیر عنوان «فاجعه در صحرا» مطالبی درباره حمله اخیر آمریکا به ایران که در زیر پوشش تلاشی برای نجات گروگانها انجام گرفت درج کرده است که با توجه به بقیه در صفحه هفتم



کارتر - ونس عزیزم رفوزه شدی ونس - تقصیر نظام آموزشی غلط شماست

نقش بانکها در بهبود وضع کشاورزی

لزوم دگرگونی نظام اعتباری در این بخش از اقتصاد کشور

استقلال اقتصادی در رابطه قطعی بانگاهداری استقلال سیاسی است و بدون شک ناوابستگی عامل اصلی و تعیین کننده استقلال سیاسی و اقتصادی بشمار میرود برای از بین بردن وابستگیها ناگزیر باید در جهت خود بستگی در بخش کشاورزی بیش از سایر بخشها حرکت سریع و منطقی بعمل آورد و باشناخت نیازها برنامه ریزی بنیادی نمود و بمرحله اجرا درآورد.

پس از پیروزی انقلاب با توجه به همه این مسائل در سخن به کشاورزی اولویتی خاص داده شد ولی در عمل کار مثبتی در این زمینه انجام نپذیرفت و حل دشواریهای این بخش از اقتصاد کشور از جمله گفتار و نوشتار و مصاحبه تجاوز ننمود، در بخش صنعت برای راه اندازی کارگاهها و کارخانهها حداقل اعتباراتی در نظر گرفته شد و بکارگران بیکار و نیازمند این بخش کمکهای عملی آمد ولی در بخش کشاورزی هیچ نوع حرکت سودمند و بنیادی دیده نشد و با توجه باین مسئله که در توسعه و رشد بخش کشاورزی و یا هر رشته تولیدی دیگر منابع مالی قابل استفاده در آن رشته نقش اصلی و تعیین کننده را بعهده دارد برای رفع بقیه در صفحه دوم

فرخنده باد بیست و پنجمین سالگرد کنفرانس بان دونگ سر آغاز همبستگی ملت های جهان سوم

ملت های آسیا و آفریقا، تائید از دو میلیارد جمعیت و تفاوت های بسیار را از لحاظ زبان و دین و بقیه در صفحه ۲

نظام های سیاسی گوناگون، دارای وجه های اشتراک انکار ناپذیری هستند که خواه ناخواه آنها را بهم نزدیک می سازد و برغم جدائی ها در یک سرنوشت قرار می دهد.

جای تردید نیست که چوپان اندونزی با روستائی ایرانی و پیشه ور تایلندی کارگر هندی از بسیاری جهات اساسی تفاوت فراوان دارند و بی توجهی به این اختلافها بی گمان این خطر را در بردارد که انسان را در یک چارچوب ساختگی و دور از واقعیت ها زندانی کند ولی با وجود همهی تفاوت هایی که در ساخت اجتماعی آنها بدلیل ویژگی های ملی هر یک وجود دارد علت های فقر و عقب ماندگی کموبیش از یکجا سرچشمه بقیه در صفحه ۲

نظام آموزشی عالی کشور را با جدول ارزشهای انقلاب ساز وار کنید

نقش بانک‌ها در بهبود وضع کشاورزی

مشکلات و نیازهای کشاورزی و انسانی که در این بخش بکار مشغول هستند هیچ نوع کمکی در نظر نگرفتند و برنامه‌های طرح نگردند.

مشکلات و نیازها در کشاورزی ایران بی‌شمار است، در رژیم وابسته گذشته برای توسعه اقتصادی و پیشرفت کشاورزی و صنعت ایران برنامه‌هایی که از نیازهای واقعی ملت ما الهام گیرد هیچ‌گاه تدوین نشد و کلیه برنامه‌ها و طرح‌ها با توجه به اصل وابستگی اقتصادی و سیاسی تهیه و بموقع اجرا درآمد و با اجراء آن ثروت ملی میهن ما را هر روز بیش از روز پیش به اربابان و ابرقدرتها دادند. در رژیم گذشته برای پیشرفت و توسعه در بخش کشاورزی سخن بسیار گفتند. و برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی گوناگون بعمل آوردند ولی ایجاد این نوع بنگاه‌ها و سازمان‌ها در بخش کشاورزی هم مانند سایر بخش‌ها در ظاهر برای کمک و رفاه و درعمل از همان آغاز برپایه سودجویی و کشیدن هر چه بیشتر شیره حیاتی این بخش از اقتصاد میهن ما و وابسته نمودن بیشتر آن برنامه‌ریزی میگردید.

در تخصیص اعتبارات مالی به بخش کشاورزی در رژیم دست نشانده گذشته بدینصورت عمل میشد: وام‌ها و اعتبارات کشاورزی از دو منبع بزرگ بانکی دولتی، یعنی بانک تعاون کشاورزی ایران و بانک توسعه کشاورزی پرداخت میگردد، که برای روشن نمودن مسئله اشاره کوتاهی به ایجاد و طرز کار مؤسسات نامبرده ضروری بنظر میرسد.

۱- بانک تعاون کشاورزی

بانک تعاون کشاورزی در تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۱۲ یعنی چهل و پنج سال پیش تاسیس که در ابتداء بنام بانک فلاحی ایران افتتاح گردید، هدف از ایجاد این بانک در ظاهر کمک به کشاورزی و تأمین وسایل و نیازمندیها و اعتبارات جهت تولید محصولات کشاورزی بود و در ابتداء این بانک در نظر داشت دست، رباخواران و سلف‌خران را از دامن کشاورزان کوتاه نماید ولی درعمل خود بصورت رباخوار عمده‌ای درآمد که بهره سالیانه و سود خالص آن هر ساله رو به افزایش است.

بررسی افزایش سرمایه و سود خالص این بانک خود دلالت بر بهره‌کشی و استثمار کشاورزان بوسیله آن مینماید.

سرمایه بانک در زمان تاسیس ۲۰ میلیون ریال بوده و سایر صعودی افزایش سرمایه مطابق آمارهای بانک مزبور بشرح زیر است.

| سال | سرمایه به میلیون ریال |
|------|-----------------------|
| ۱۳۱۲ | ۲۰ |
| ۱۳۱۵ | ۲۲/۵ |
| ۱۳۲۰ | ۱۱۹/۳ |
| ۱۳۲۵ | ۶۷۹/۱ |
| ۱۳۴۰ | ۴۷۱۷/۶ |
| ۱۳۴۹ | ۱۱۷۲۲ |
| ۱۳۵۰ | ۱۱۹۳۶/۸ |
| ۱۳۵۵ | ۴۵۸۰۰ |

در واقع در طول چهل و پنج سال فعالیت بانکی سرمایه آن به ۲۲۹۰/ برابر افزایش یافته که باید ذکر گردد قسمتی از این افزایش سرمایه از طریق کمک دولت و قسمتی از طریق فروش سهام و قسمت اعظم آن از کسب سود از محل پرداخت های وام بدست آمده است. با توجه به گزارش بانک مزبور سوگد خالص بانک در سال

| | |
|------|--------|
| ۱۳۴۰ | ۲۷۷/۷ |
| ۱۳۵۰ | ۲۵۱/۳ |
| ۱۳۵۵ | ۲۰۶۲/۷ |

میباشد که در سال ۱۳۵۵ درآمد کل بانک معادل ۴/۶۴۸/۵۰۷/۸۵۲ ریال بوده که مبلغ ۴/۷۴۷/۳۴۵ ریال آنرا از طریق بهره و کارمزد دریافت داشته است و در مقایسه با سرمایه بانک در این سال که برابر با ۴۵۸۰۰/ میلیون ریال میباشد ملاحظه میگردد که درآمد کل بانک رقمی را معادل ده درصد کل سرمایه نشان میدهد.

این بانک تا سال ۱۳۴۰ یعنی در ۲۸ سال فعالیت بانکی خود از روز تاسیس در جمع ۴۳۸/۳۴۵ فقره وام بانکی که فقط معادل ۹۴۲/ میلیون ریال میشود، پرداخت کرده است، یعنی سالیانه در حدود سیصد و سی میلیون ریال که با توجه بوضع اجتماعی ایران از سال ۱۳۱۲ تا سال ۱۳۴۰ که در این سالها بیش از دوسوم مردم ایران در سطح روستا زندگی میکردند و بکار کشاورزی اشتغال داشته‌اند نشان میدهد که در خلال این بیست و هشت سال بانک نامبرده فعالیت بسیار ناچیز و غیرقابل توجهی داشته است.

سیاست اعتباری نادرست و بخصوص محدود بودن شبکه وام‌رسانی و خدماتی بانک تعاون کشاورزی در سطح روستاهای کشور و مناطق کشاورزی سبب میشد که قسمت عمده اعتبارات این بانک فقط در اختیار بزرگمالکان و یا ثروتمندان که دارای وثیقه و امکانات ضمانتی هستند قرار گیرد و این افراد کسانی بودند که اعتبارات تحصیل شده را برای پیشرفت و توسعه کشاورزی بکار نبرده و وام‌های دریافتی را بمصارف غیر کشاورزی میرساندند، این بانک در زندگی خود از روز نخست در خدمت بزرگمالکان و سرمایه‌داران بود، جالب این است که در آئین

نامه‌های بانک آمده است پرداخت وام بمالک جهت پرداخت وام بزراع!!!

که در این مورد چنانچه مالک قسمتی از وام دریافت شده خود را در اختیار زارع قرار میداد با بهره‌های سنگین و کمربشکن که گاهی از صددرصد هم تجاوز مینمود انجام میشد.

سیاست نادرست اقتصادی این بانک بوضعی بود که کشاورزان حقیقی نتواند با شرایط مناسب از اعتبارات دولتی جهت تولید استفاده نمایند و این بانک در طول زندگی خود نه تنها کشاورزان خرده پا را نتوانست زیر چتر حمایت خود گیرد و آنها را از خطر سلف‌خران و رباخواران حفظ کند، کوچکترین قدمی در راه توسعه و پیشرفت کشاورزی و دامداری ایران برنداشت. حتی نتوانست در مواقع ضروری وام‌های کوتاه مدت به کشاورزان برای خرید لوازم ضروری فصلی از قبیل بذر-سم- کودشیمیایی و ماشین‌آلات بپردازد و یا در سطحی پرداخت نمود که بهیچوجه پاسخگوی نیاز کشاورزان و دامداران نبود، و بعلت دوری مراکز اعتباری از سطح روستاهای کشور و نبودن امکان ارتباط و همچنین عدم آشنائی کشاورزان به چگونگی کار، دریافت وام از این موسسه اعتباری برای همه کشاورزان خالی از اشکال نبوده و تمییزات.

۲- بانک توسعه کشاورزی:

بانک توسعه کشاورزی در سال ۱۳۴۷ بوجود آمد و این بانک نیز بمانند بانک تعاون کشاورزی نقش سازنده‌ای در زندگی کشاورزی و کشاورزان ایران نداشته و ندارد. و شیوه استثمارگرانه خاصی در مورد کشاورزان عادی و نقش بندگی و خدمتگذارانه‌ای در برابر رژیم گذشته و دست نشانده‌گان و گماشتگان آنان داشته است. این بانک نیز با سیاست نادرست اقتصادی خود یکی از ابزارهای وابستگی در دست رژیم گذشته بوده است.

قسمت عمده وام‌های بانک برای اجراء طرح‌های بزرگ کشت و صنعت و واحدهای تولیدی کشاورزی مسانند دامداریها- مرغداریها- پرورش ماهی واحداث باغهای بزرگ میوه و یا سایر واحدهای مشابه پرداخت کرده است، گیرندگان اصلی این وام‌ها را افراد خانواده سلطنتی گذشته و گماشتگان آنان و یا امیران و بازنشستگان پرنفوذ لشگری و کشوری و نیز صاحبان قدرت و وابستگان آنان تشکیل میدادند. که وام‌های دریافت شده را بمصرف طرح‌های تصویبی نرسانده و اینک هم این پول‌ها برای ملت ایران بر بادرفته بحساب میاید.

البته باید تذکر داد که وام‌های پرداخت شده از طرف این بانک از لحاظ آئین کار، باید وام‌های نظارت شده میبود. و بطور عادی پس از پیاده کردن و اجراء قسمتی از طرح و تأیید آن توسط بانک قسمت‌های دیگر وام قابل پرداخت میشد ولی بعلت عدم نظارت و یا قدرت حاکم بر سرنوشته بانک در آن زمان بدون اینگونه

این طرح‌های بزرگ پیاده گردید کلیه وام‌ها بصاحبان قدرتها پرداخت گردیده است طبیعی است در مورد وابستگان رژیم و بزرگ مالکان در مقابل پرداخت وام ضمانت و وثیقه نقش چندانی نداشته است و صاحبان قدرت و وابستگان رژیم با ضمانت افرادی مانند وزیر کشاورزی وقت احتیاج به وثیقه خاص دیگری نداشته و وام خود را بدون هیچگونه ضابطه بانکی دریافت میکردند که البته این مسئله در مورد کشاورزان عادی که بآنک مراجعه مینمودند، بکلی برعکس بوده و حتی بیش از وام درخواستی مورد نظر آنان وثیقه و ضمانت دریافت میگردد است. دریافت وام توسط وابستگان و دست‌نشانده‌گان رژیم گذشته و صاحبان قدرت که هیچ نوع تخصص و آشنائی و علاقه‌ای به کار کشاورزی نداشته‌اند خود نیاز به بررسی جداگانه‌ای دارد.

نکته دیگری که از نظر فنی ذکرش بی‌مناسبت نیست عبارتست از مشارکت مالی افراد به نسبت چهل درصد در طرح‌های تصویبی که شصتدرصد آنرا بانک بصورت وام میپرداخت و البته این امر هم در مورد خواص رعایت نمیکردید و فقط افراد عادی بودند که چنانچه بعد از ماهها و یا سالها دوندگی و کاغذ بازی وامی برای آنها تصویب میشد از طرفی وثایق کافی برای شصتدرصد وام پرداختی بایستی در اختیار بانک قرار دهند و از طرف دیگر جهت پیاده کردن طرح چهل درصد باقیمانده را خود متعهد گردند ولی بطور کلی باید گفت قسمت عمده وام‌هایی که این بانک در طول زندگی بانکی پرداخت کرده است درصد کوچکی برای پرداخت مشتریان عادی و کشاورزان باید در نظر گرفت و وام‌های بزرگ بیشتر بهمان افراد خاص داده شده است که بجای سرمایه‌گذاری در طرح‌های تصویبی پول آن را بخارج منتقل و بمصرف خرید آپارتمان ویلا و یا سرمایه‌گذاریهای مختلف در خارج از کشور نمودند.

پس از پیروزی انقلاب و توجهی که به اولویت کشاورزی بعمل آمد انتظار آن میرفت که با انتخاب افرادی مطلع برنامه‌ریزی‌های صحیحی در بخش کشاورزی بعمل آید ولی با کمال تأسف در چهارده ماهی که از پیروزی انقلاب میگذرد، دست‌اندر کاران هنوز قادر به ارائه برنامه روشن و سازنده‌ای در بخش کشاورزی نگردیده‌اند. مسئله اعتبارات در بخش کشاورزی که یکی از اساسی‌ترین مشکلات و نارسائی‌های این بخش است بسردرگمی خاصی دچار میباشد و تا به امروز بانکهای اعتباری در بخش کشاورزی متناسب با ضوابط و مقررات گذشته عمل مینماید و باید سوال شود آیا چهارده ماه وقت برای بررسی و مطالعه و تهیه برنامه کافی بنظر نمیرسد.

افسوس که دست‌اندر کاران بیشتر با سخنان زیبا و امیدوارکننده مردم را مشغول میدارند و با مشکلات بطور جدی روبرو نمیشوند و

بخصوص آسیب‌پذیری این بخش را با بیان مطالب دور از حقیقت و کردارهای ناآگاهانه خود در نظر نمی‌گیرند.

بعنوان نمونه میتوان سخنان آقای رضا اصفهانی معاون وزارت کشاورزی و عمران روستائی را که در تاریخ نهم بهمن ماه ۱۳۵۸ در شماره ۱۶۰۶۲ روزنامه اطلاعات انعکاس یافت ذکر نمود، ایشان که هیچگونه آشنائی و تخصصی در کشاورزی ندارند اظهار میدارند «که از نیمه دوم بهمن ماه ۱۳۵۸ وام در اختیار کشاورزان کم زمین و خوش‌نشین‌ها (کشاورزان فاقد زمین) و دیپلمه‌های کشاورزی قرار خواهد گرفت و اضافه مینماید که وام‌های جنسی شامل ماشین‌آلات کشاورزی و کمباین و امثال آنها خواهد بود و با توجه به اینکه اخیراً تعداد زیادی تراکتور وارد خواهد شد کوشیده میشود که تراکتورها بصورت سباز در اختیار کشاورزان قرار گیرد تا نیاز آنان برطرف گردد، همچنین میگوید میزان وام هم بستگی به نیاز کشاورز دارد و حتی این وام‌ها در اختیار دیپلمه‌های بیکار غیر کشاورزی که علاقه بفعالیت‌های کشاورزی دارند نیز گذارده میگردد و وام بدون بهره بوده و طبعاً بکشاورزانی که نیاز بیشتری دارند وام بیشتر پرداخت خواهد شد و همچنین اضافه مینماید که اگر احیاناً ناسامانیهای دروضع کشت و کشاورزی بوجود آمده است ناشی از عملکرد مسئولین کشاورزی دولت موقت بویژه ایزدی وزیر کشاورزی وقت و همکاران او بوده است.

سخنانی زیبا، درست و امیدوار کننده ولی امروز که نیمه دوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ میباشد و سال زراعتی شروع شده و کشت خاتمه یافته است حتی یک بخش کوچک از وعده‌های این معاون وزارت کشاورزی و عمران روستائی انجام نیافته و دیگر برای انجام آن هم زمان سپری گردیده است. البته پس از گفتارهای شیوای ایشان کشاورزان و دهقانان امیدوار شدند که شاید دوی درد آنها در دست این مسئول غیرمتخصص باشد او در دانشناخته و قصد درمان دارد ولی بعد همه متوجه شدند که فرمایش ایشان فقط شعاری بیش نبوده است و مردم هم امروز متوجه نادرستی گفته‌های آنروز ایشان شده‌اند که بازهم غافل گردیده‌اند و مسئله چیز دیگری بوده و انتخاباتی درمیان بوده است و جناب ایشان هم قصد متعین کردن ساحت پارلمان را از ورامین داشته‌اند و همه گفتارها و کردارها به این مناسبت بوده است.

سخن کوتاه، بایستی در امر اعتبارات و وام‌های کشاورزی با گزینش سیاست صحیح گرایش منابع مالی را به بخش کشاورزی هدایت و تشویق نمود.

زیرا رشد و توسعه کشاورزی یعنی بالا بردن سطح تولید محصولات غذایی برنامه‌ریزی‌های واقعی و منطقی لازم دارد و یکی از راه‌های آن در اختیار قرار دادن منابع اعتباری دولتی در سطح روستا برای کشاورزان کم درآمد و خرده‌پا میباشد، نه مانند گذشته که از طریق ثروتمندان محلی و نزل‌خوران حرفه‌ای و یا بشیوه گذشته توسط بانک‌های اعتباری آنجنانی که هیچیک بدرد روستا و روستائی نخورده‌اند و نخواهند خورد کمک و اعتبارات دولتی به کشاورزان باید در حد نیاز واقعی آنان تنظیم گردد و این اعتبارات با نظارت و هدایت و ارشادهای دولتی در راه‌های منطقی و صحیح بمصرف رسد.

نظارت درست بوسیله مؤسسات اعتبار دهنده شرط اصلی دادن وام باید قرار گیرد ولی با کمال تأسف در گذشته دیده شد بسیاریند کشاورزانی که وام‌های داده شده را به مصرف اصلی نرسانده و با توجه به جو حاکم آن زمان وام‌ها را صرف خرید لوازم مصرفی یا مخارج غیر ضروری نمودند لذا روش دادن مستقیم وام به کشاورزان عادی هم باید تجدید نظر شود، تا هنگامیکه همه وسیله‌های کاشت و داشت و برداشت برای همه روستاها و روستائیان ایران فراهم نشده باید سیستم اعتبارات کشاورزی دگرگون گردد و نظام ثوبنی جایگزین آن شود. برای توسعه و پیشرفت و افزایش محصول کشاورزی و نابودی وابستگی‌های موجود و رسیدن بخود بسندگی نسبی برنامه کار لازم است که با کمال تأسف تا امروز از وجود آن خبری نیست.

ملت ایران بود.

باندونگ

میگرد و بی‌جهت نیست که چریک الجزائری، دانشجوی هندی و کارگر کانهای الماس افریقای جنوبی، مثل هر آسیائی و آفریقای دیگر یا مثل هر یک از مردم «جهان سوم» بسیدرتگ حرف یکدیگر را می‌فهمند. از نخستین کسانی که با شناخت دقیق طیف وسیعی استعمار و چگونگی عملکرد زن در کشورهای زیر سلطه به این نتیجه رسید که ملت‌های جهان سوم ناچارند بخاطر حفظ و تحکیم شخصیت ملی خویش با مظاهر گوناگون استعمار دریک جهت مشترک باید انجام در راه د کتر مصدق پیشوای در گذشته‌ی

مصدق با بررسی دلایل عقب ماندگی ملت ایران مقایسه‌ی آن با دیگر ملت‌های زیر سلطه به این نتیجه منطقی رسید که ریشه‌های عمیق، عقب افتادگی کشورهای جهان سوم و مسائل ناشی از آن مشترک و طرز مبارزه‌ی با آن نیز کاملاً مشابه است و شرط پیروزی در این نبرد بزرگ یگانگی و حمایت واقعی از یکدیگر و با چنین برداشتی است که از نماینده ایران می‌خواهد تا در سازمان‌های جهانی مدافع حقوق ملت‌ها یزیر سلطه باشد بی‌گمان تا هنگامیکه ملت‌های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و اروپای شرقی به ماهیت استعمار و شکل‌های گوناگونی که میتواند بخود بگیرد، برآستی پی نبرند، بقیه در صفحه ۳

ملی کردن بازار گانی خارجی را باز پس نیاندازید

ایجاد ناامنی از سوی ضدانقلاب

بدنبال انقلاب اسلامی ملت ایران و سقوط نظام سلطنتی، مسلم بود که عوامل وابسته و مزدور به مقابله با مردم برخیزند. یک نگاه کوتاه کانونهای اصلی نیروهای خرابکار و «ضدانقلاب» را آشکار میسازد، کانونهایی که بظاهر متفاوت هستند اما درازمیان بردن دستاوردهای انقلاب با یکدیگر «مجموعه» میدهند.

- نیروهای که دربرون مرزهای ایران توطئه میکنند. امپریالیستها به سرکردگی آمریکا در سطح جهانی و خرابکاران صهیونیست و مزدوران عراقی حزب بعث در سطح مناطقی از عهده دار این تلاشهای ضدایرانی هستند و بدیهی است هر کدام با هدفها و خواستههای ویژه خود در خدمت امپریالیسم قرار گرفتهاند.

- نیروهای ویران ساز درون جامعه ای که بتحقیق در پیوند با امپریالیسم قرار دارند، زمینه عمل خود را در میان مردم انقلابی، پیشوهای گوناگون بدست می آورند و سعی می کنند هسته های اصلی انقلاب را داخل به تلاش و انهدام کنند.

چشمگیرترین عملیات «ضدانقلاب» از شیعه پراکنی و تهمت زنی تا خرابکاری و ایجاد وحشت و ترور پروشهای مختلف گسترش یافته است.

موضع «ضدانقلاب دوگانه است. گاه از «راست» حرکت میکند که بعثت نمایش بسیاری از خصلتهای تمام گذشته، شناخت آن برای آسان است و با اندک روشنگری میتوان در برابر آن ایستادگی و مقاومت نشان داد مردم و با چند حرکت منطقی آنرا سرکوب کرد.

- گاه از «چپ» حرکت «ضدانقلاب» شکل میگیرد و چون ویژگیهای نظام گذشته را نماندنی میکند و سخنان فریبنده بر زبان می آورد امر را بر مردم مشتبه می سازد و بهمین دلیل نبرد با این «توطئه دلسوزانه» به روشنگری بیشتری نیاز دارد.

بخشی از این گروه دوم یعنی «چپ نماهای انقلابی» بی شک در پیوند با وابستگان نظام گذشته عمل مینمایند و اگر

در احوال و اطوار و حرکاتشان دقت شود بخوبی آشکار می گردد که «در لباس فقر کارا هل دولت می کنند».

اما بخش دیگری از همین افراد که به آنها «چپ» گفته میشود وابسته نیستند و به انقلاب و ایران و مردم هم علاقه دارند و هر کس اتهام «ضد انقلابی» به آنان بزند یا جاهل است یا مغرض.

علت وجودی این گروه و رشد آن چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ عملی در رابطه با کارگردهای نظام حکومتی است یعنی کار بدستان کشور طی پانزده ماه حکومتگری نه توانایی مقابله فکری و عقیدتی سالم با این گروه را داشته اند و نه از لحاظ عمل انقلابی توانسته اند نوعی دگرگونی در جامعه بوجود آورند که بتواند پاساژهای نیازمندی بشود که این گروه چپ یا «چپ نما» بنام مردم خود را بیانگر آن معرفی می نماید.

برعکس با سازشکاری و بی لیاقتی از یکسو و انحصار طلبی و چماق زنی از سوی دیگر کار را بجائی رسانده اند تا زمینه توسعه فعالیتهای این دسته از مخالفان فراهم آید و اندک اندک حربیم مقدس آزادی های فردی و اجتماعی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنرا تأمین و تضمین کرده است خدشه دار گردد.

برای روشن شدن این مساله باید صحنه دیگر تلاشهای جامعه را که بانقلاب تعلق دارد شناخت. انقلاب اسلامی ملت ایران در «وحدت کلمه» و «وحدت عمل» شکل گرفت و رهبری قاطع امام خمینی با سرکوبی دشمن مشترک و شناخته شده مردم ایران یعنی «نظام سلطنتی وابسته بیگانه» پیروزی ملت را فراهم ساخت و جامعه را بسوی استقلال سیاسی و آزادیهای فردی و اجتماعی سوق داد گویا

در این مورد جای هیچگونه گفتگو نباشد و هر کس جز این

سخن بگوید انقلاب ایران و حرکت اجتماعی آن را نشناخته است.

اما پس از ویران سازی برخی از نهادهای سیاسی و دیوانی نظام گذشته «نیروی جانشین» هم از توده انقلابی فاصله داشت و بزبان دیگر نیازها و خواستههای انقلاب را درک نمی کرد و هم از وحدت کلمه و عمل برخوردار نبود کمتر انقلابی را در جهان می شناسیم که در میان کار بدستان آن تا این اندازه تشتت اندیشه ها و اعتقادات و سلیقه ها وجود داشته باشد یا به صمیمیت کامل که بایسته اخلاق مبارزه و انقلاب است، تا این اندازه کم پای بسند باشند و به جای سازندگی جامعه به خراب کردن خود و یاران خود پردازند.

در نتیجه این روند ناسالم سیاسی یک فکر روشن انقلابی و سازنده و غالب در پیوند با کاردانی و صداقت از یک مجرا واحد بیان نگردید و میزان سردرگمی ها و نابسامانی

ها بیش از دوره نظام سلطنتی بالا رفت. سرکوبی امپریالیسم جز در مواقعی که امام خمینی رهبری آنرا برعهده داشت آن سان که ضرورت داشت پیگیری نشد، بطوریکه رئیس جمهور وابستگیهای اقتصادی جامعه را در دوره انقلاب بیش از دوره شاه خلع شده دانست. دگرگونیهای فرهنگی و اجتماعی و آموزشی حتی باندازه یک «اصلاح نیم بند» در جامعه تحقق پیدا نکرد کارگردهای حکومتی از سوی کار بدستان سیاسی نه تنها انقلابی نبودند بلکه با شکستن مرزهای مقدس و خونین «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» در مسیر منحوس نوع جدید دیکتاتوری، تاخت برداشت.

این کردارهای ناشایسته و بدفرجام و این همه بی لیاقتی در به سامان رساندن خرابیهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، عامل نیرومندی در توان بخشی نیروهای چپ یا «چپ نما» در

جامعه شد و بزبان دیگر این کمبودها خود علت وجودی حیات این نوع مخالفان گردید. کوتا سخن پس از پانزده ماه تلاش و پیکار و صبر و استقامت، جامعه زیر سلطه سابق در هم ریخته شد و جامعه ای بی شکل و سیما جایگزین آن گردید، جامعه ای در آن نه نهادهای فرهنگی اقتصادی و نه نهادهای فرهنگی بنحو انقلابی شکل یافته اند و نه نهادهای سیاسی و نظامی که جهت دهنده انقلابی جامعه بشمار می آیند توانسته اند شکل ثابتی بدست آورند. تاریخ گذشته ملت پس از پی ریزی نهادهای مشروطه در پایان سلسله قاجار شباهتهایی را با دوره کنونی بیاد می آورد اما این نخستین بار است که مردم میهن ما بنام اسلام و با معنویت و پاکبازی کامل قیام کردند و مسلم است انتظاراتشان با گذشته تفاوت فراوان دارد و خواستار دگرگونیهای بنیادی تری هستند و بعثت روشن تر شدن و بیشتر روی صحنه آمدن به آسانی تن به دیکتاتوری و ذلت نخواهند داد چه اگر چنین بودند رژیم رستاخیزی را می پذیرفتند.

عوامل ضد انقلاب در درون مرزهای میهن و کانونهای جهانی ضد ایران که به ناتوانی همه جانبه قدرت اجرائی کشور وقفاند و به پراگندگیهای بحق یا ناحق مردم در این دوره آگاه شده اند فرصت مناسبتری را بدست آورده اند تا به خرابکاریهای خود شتت بدهند نمایش این کار را از کردستان و خوزستان تا دانشگاههای ایران و خیابانهای جنوبی و مرکزی تهران گسترش یافته و در هر جایی بشکلی و رنگی و با قیافه های تظاهر ضدانقلاب چشمگیر گردیده است.

انحصار طلبان نه از راه درست و اسلامی بلکه با اعمال روشهای شبه دیکتاتوری گمان می کنند می توانند وحدت ز دست رفته را به جامعه

بازگردانند و ب طرد و تکفیر آب رفته را به جویبار باز آورند. با کمال تأسف در این رهگذر چماقها بالا می روند و در روز جشن جهانی کارگر، متولیان این گروه نجیب و شرافتمند جامعه در سه گوشه تهران مردم را به شکستن سرو کله یکدیگر و امیدارند و معرکه های خونریزی بر پا میدارند و طبق اخبار رسیده در شهرستانها نیز وضع بهمین صورت بوده است.

معلوم نیست در این کشور آزادی وجود دارد یا خیر؟ حزبها و سازمانهای سیاسی حق فعالیت مستأوی دارند یا نه؟ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که خونبهای شهیدان انقلاب است آیا ارزش عملی دارد یا بسن قانون اساسی مشروطه فقط «زینت الحکومه» است.

معلوم نیست وزارت کشور بطور رسمی اجازه گرد هم آئی بگروه های سیاسی داده است یا خیر؟ اگر گروهها مجازند در حد قانون فعالیت داشته باشند چرا چماق در آن مرتبط با کانونهای انحصار طلبی مانع فعالیت آنها می شوند و چرا مقامات انتظامی واکنش شدیدی نشان نمی دهند؟ اگر گروه های سیاسی

غیر «حزب معلوم» حق حیات سیاسی ندارند، اگر قانون اساسی برای انحصار گران محترم نیست، چرا وزارت کشور که بر مکانیسم کار آگاه است به این گروهها حق تظاهر میدهد و در نتیجه اغتشاش بر پا میدارد. آنچه مسلم است آشوبهای روز یازدهم اردیبهشت ماه و روزهای پیش از آن و پس از آن، نه تنها به سود کارگران ایران نبود بلکه زمینه فتنه انگیزی ضد انقلاب را فراهم

ساخت و حتی در ذهن افراد جامعه این پرسش را پیش آورد آیا در میان این گروه های گوناگون عوامل متحد ضد انقلاب شرکت ندارند؟ آیا آتش بیار اینمعرکه ها و اخوردگان

مزدور نظام سلطنتی نیستند؟ و بقول مشهور آیا ناله های این سری هم «از آن سر» نیست؟ در برابر این آشفتگی ها فقط یکراه حل وجود دارد و آن شرکت دادن همه مردم و هم گرایشها و همه عقیده ها و بزبان روشن تر همه انقلاب کنندگان اسلامی در کار سازندگی ایران است. ایجاد زمینه اندیشه و عمل واحد که همگان در آن شرکت یابند و وحدت از حرف به اجرا در آید، یک مرجع مشورتی، تصمیم بگیرد و یک کانون پویا عمل کند. نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نماید نهادهای حکومتی شکل انقلابی خود را بدست آورند «سبب» ها جای «نسب» ها را بگیرند و لیاقت و کاردانی و صداقت جایگزین وابستگیها و ندانم کاریها و بدکرداریها گردد.

ملت ایران با پیشین فرهنگی خود خط بنیاد مند حرکت و سازندگی را نشان داده است پیوند ناگسستنی با رهبر عالیقدر انقلاب و درایت رهبر و مردم گرائی توحیدی وی پشتوانه خدشه ناپذیری یگانگی جامعه در این برهه تاریخی است و رئیس جمهور برگزیده مردم بگونه زبان و اندیشه وحدت می تواند و باید به عملکرد وحدت نیز بپردازد و تا زمان باقی است و تا آسیبهای دشمن فرو پاشیدگی کلی جامعه را فراهم نکرده است در خط هدف انقلاب اسلامی ملت ایران و برنامه های مسدود آن و در سازمانهای اصیل انقلابی با بکار گرفتن نیروهای آگاه و کاردان و وفادار به انقلاب حرکت مورد انتظار ملت را به ظهور رساند و اگر در این کار تعلل پیش آید بی شک اغتشاشها قرونی خواهد یافت و ناامنی بر جامعه مسلط خطل مسلط خواهد شد و اگر در اعتقاد مردم خدشه ایجاد گردد بازسازی یک نظام پویای مبتنی بر آزادی و عدالت بیش از اندازه مشکل خواهد شد و معلوم نیست ملت ماو ملت های ستمدیده دیگری که به ایران چشم دوخته اند. چه روزگار تاریک و نومید کنندهای را بر سر خواهند برد و چنین شب بی ستاره گومیاد و بسامداد درخشان سعادت نزدیکتر باد.

در حاشیه «کارگر» نوازی!

آنها شنیده میشود که یادآور همان کج اندیشی های سابق است. دوره حکومت دکتر مصدق، بی شک یکی از درخشان ترین دوره های مبارزات ضد امپریالیستی ملت ایران است. در آن روزگار دربار و ارتش وابسته از یکسو و ذهن گریبان مغرض و وابسته از سوی دیگر در مکانیسم «موازنه مثبت»، سرکوب کردن حکومت ملی ایران را هدف قرار داده بودند و در مناطق صنعتی چه در سرزمینهای نفت خیز و چه در دیگر گوشه های ایران اعتصابهای ضد حکومتی برپا می داشتند و از این راه با تضعیف دولت میخواستند دکتر مصدق را از پای در آورند. در این مورد پس از کودتای ۲۸ مرداد گردانندگان آن معرکه های ضد مردمی خود «توبه نامه» ها نوشتند و از آنچه رفته بود پوزش خواستند. اما کسانی که از خود فکر ندارند بعد یا بسهوبالهام از آن نوشته های مورد پوزش و توبه چیزهایی می نویسند که دشنام به کارگران ایران، این اصیل ترین

کارگران میهن ما از بدو پیدایش نظام جدید کارگری در جهان خود را همگام مردم و دیگر گروه های اجتماعی ایران قرار داده اند و هیچگاه حرکتی که برخلاف استقلال و حق حاکمیت مردم باشد از این نیروی جامعه دیده نشده است. دریغ است که برخی از اندیشه ها بعنوان دفاع از حق کارگران با برداشتهای غلط و ذهنی گمان بردارند که مبارزات اجتماعی مردم بدور از مبارزات استقلال طلبانه آنان می باشد و نخواسته اند قبول کنند تا جامعه مستقل نباشد هیچ حرکت سازنده اجتماعی تحقق پیدا نمی کند. این ذهن گریبان اگر در گذشته در ابهام بودند در صورت مغرض نبودن با شناخت انقلاب اسلامی ملت ایران در دوره سازندگی کنونی و نقش امپریالیسم در نابود کردن این روند ملی می بایست در بسیاری از برداشتهای گذشته خود تجدید نظر بعمل آورند. این رفقای عزیز نه تنها این کار انقلابی و اخلاقی را انجام نداده اند بلکه گاهگاه هم مطالبی از

باندونگ
درمانها، قدرت علاج واقعی دردهای ریشه دار و مزمن آنها را نخواهد داشت، زیرا استعمار در یک مرحله حساس تاریخی بگونه ای یک عامل خارجی منفی در حیات ملی آنها وارد شد و رشد طبیعی آنها را متوقف ساخت. اعمال سیاست تبعیض نژادی، تحمیل فلسفه توهین به وسایل گوناگون و کاربرد روشهایی که هدف آن سلب شخصیت و حیثیت مردم استعمارزده بود و استقرار شبکه های عظیم و هولناک از ترس و جهل، سیاست کلی استعمارگران را در گسترش سلطه اهریمنی آنها تشکیل میدهد. جنگ جهانی دوم به دگرگونی بزرگی انجامید که بقیه در صفحه ۷

نظم و کار، پایندگان پیروزی دوران سازندگی انقلاب

بقیه از صفحه ۱

لکه‌سیاه

لازم است.

اکنون انحصار طلبان این وحدت پرارزش را خدشدار نموده‌اند و ملت قهرمان ایران را آزاده دل ساخته و وضعی بوجود آورده‌اند که انتخابات آزاد و تعیین سرنوشت مردم در آن جو امکان‌پذیر نمی‌باشد.

فرصت‌طلبان، دایه دلسوز تر از مادر شدند و منقررات و آئین کار جدیدی برنامه‌ریزی نمودند و انتخابات با اکثریت نسبی را تبدیل به انتخابات دو دورهای نمودند و به اعتراض و شکایت هیچ‌کس توجهی نکردند، گوئی که چون فاتحان تاریخ برقلب ملت پای کوبیدند و در حالیکه تمام قشرهای جامعه اعتراض نمودند، بزرگان و اندیشمندان این ملت وسیله نوشتار و گفتار در سانه‌های گروهی خواست خود را اعلام داشتند حزبه‌ها و گروه‌های سیاسی بجز یک حزب انحصار طلب نظر قاطع خود را مبنی بر یک دورهای بودن انتخابات اعلام داشتند. ولی آنچه شنیده نشد فریاد حق طلبانه مردم بود. سرانجام برنامه خود را اجرا کردند و دوره اول انتخابات را با رسوائی به انجام رساندند و از دوپست‌توهفتاد نماینده را انتخاب کردند ولی همه شاهد آن بودند که موج اعتراض و شکایت مردم از گوشه‌کنار کشور نسبت به تخلفها و تقلبها در نحوه برگزاری و شمارش و خواندن رای‌ها چنان بلند شد که ناگزیر رئیس‌جمهور آرام‌سازی زیر فشار رئیس‌جمهور کشور به قبول بررسی و رسیدگی گردیدند و در حالیکه گروههای مختلف شرکت کننده یکدیگر را از یکطرف و گردانندگان و هیئت‌های اجرائی و انجمن‌های نظارت بر انتخابات از طرف دیگر متهم مینمودند کمیسیون هفت نفری وظیفه یافت که به اعتراضها و شکایتها رسیدگی در فاصله یک ماه نتیجه بررسی خود را گزارش دهد.

موج اعتراض چنان بالا گرفته بود که حتی به رؤیاری بر گزار کنندگان انتخابات و نمایندگان چند گروه شرکت کننده در یک مجلس مناظره یا میزگرد گردید ولی در این میزگرد خیلی از حزبه‌ها و گروههای سیاسی را از شرکت و اظهار نظر محروم داشتند.

کمیسیون هفت نفره پس از انقضای مهلت یک ماهه اعلام داشت که جهت بررسی و تحقیق بوقت بیشتری نیاز دارد و ضروری است که این زمان تمدید شود. ولی در حالیکه فقط فرصت کوتاهی به رای گیری دوره دوم مانده این کمیسیون هنوز نتیجه بررسی‌های خود را در باره دوره اول انتخابات اعلام نداشته است. در هر حال باید در دوره دوم نزدیک به دو سوم نمایندگان انتخاب گردند، ولی بطوریکه دیده میشود مردم از نتیجه دوره یکم چنان سرخورده و ناامید شده‌اند که بی‌تفاوتی مطلق در جامعه حکومت میکند و شاید هم این خود، خواست انحصار گران و سازشکاران باشد که چنین جوی را بر اجتماع حاکم نمایند و

قدرت‌طلبی خویش ساخته‌اند. پس از پیروزی انقلاب، مردم از بند رسته میهن ما خواهان انتخابات آزاد بودند، مردم خواهان انتخابات یک دورهای و با اکثریت نسبی بودند، مردم خواهان آن بودند که نمایندگان تمام حزبه‌ها و گروههای سیاسی با گرایشهای گوناگون به مجلس شورایی راه یابند، تا این نهاد خواستهای ملی باشد و بتواند جدول ارزشهای انقلاب، را بر جامعه، حاکم سازد حال باید دید که دست اندرکاران تا چه حد بخواست مردم پاسخ مثبت داده‌اند؟! آیا آنان به آزادی فردی و اجتماعی که مردم برای بدست آوردن آن بیکارها کرده و خون‌ها داده‌اند ارج نهادند و آیا مردم از طبیعی‌ترین حقوق انسانی خود یعنی حق انتخاب شدن و انتخاب کردن برخوردار شدند؟! افسوس که چگونگی برگزاری دوره یکم انتخابات بسیاری از این امیدها را از میان برد و اکنون با کمال تأسف وسیله رسانه‌های گروهی اطلاع داده شده است که دوره دوم انتخابات مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران در روز نوزدهم اردیبهشت ماه بدون آنکه نتیجه بررسی شکایتها و اعتراضهای مردم از دوره اول وسیله کمیسیون هفت نفری بررسی اعلام گردد شروع خواهد شد. در پایان دوره یکم انتخابات چهار هزار نفر نامزدهای انتخاباتی از حزبه‌ها و سازمانهای سیاسی، و بی‌منفرد از تهران و شهرستانها وارد فعالیت گردیدند، و آنها کوشیدند در مدت کوتاهی که برای تبلیغات در نظر گرفته شده بود برنامه‌هایشان را ارائه دهند و تا حد امکان خود را بملت معرفی نمایند و بسیاری از آنها تصور مینمودند که «میزان رای ملت» خواهد بود و هر که را مردم بخواهند بر میگزینند ولی افسوس که دست اندرکاران انتخابات خواب دیگری دیده بودند.

رهبر انقلاب در حساس‌ترین لحظه زندگی ملت ایران بر گزار کنندگان انتخابات را ارشاد نمود که از راه حق جدا نشوند و باطل را بر حق حاکم سازند. رهنمودهای امام تاکنون توانسته است ملت ما را بارها از فاجعه تفرقه نجات دهد. ولی افسوس که انحصار طلبان و سازشکاران جوی را بوجود آوردند که بزرگترین ضربت را بوحدت انقلابی مردم ما وارد آورد.

وحدتی که ملت ما در این برهه از زمان بدان نیز حیاتی دارد، وحدتی که برای رؤیاری با دشواریهای داخلی و خارجی کشور و گستردگی روزافزون آنها

بقیه از صفحه ۱

صحنه‌های اصلی نبرد

استراتژی امپریالیستها در برخورد با ایران

بیشترین نیرو و امکان‌های ما در مبارزه با استعمار به کار رفته است. مبارزه تنباکو و انقلاب مشروطیت و ملی شدن صنعت نفت هر کدام برگی درخشان و افتخارآمیز در مبارزه ضد استعماری ملت ما است.

پیش از آنکه قرن کنونی آغاز شود، ملت ما با مبارزه تنباکو، ضربهای باور نکردنی بر استعمار وارد آورد. با آغاز قرن بیستم جنبش آزادیخواهی و ضد استعماری- سراسر میهن ما را فرا می‌گیرد. در نخستین دهه این قرن همه جنبش‌های آزادیبخش را استعمار گران و دست نشانده‌گان فرو کوبیدند. ولی نتوانستند بر جنبش آزادیخواهان و وطن‌دوستان ایران چیره شوند. در رزمگاههای خونین آذربایجان و اصفهان و قزوین و تهران استعمار و دست نشانده‌گانش ضرب دستهای جانانه از ملت ما چشیدند و استعمار برای دومین بار در مدتی کوتاه از برخورد مستقیم با ملت مازیان کرده بود.

پیروزی ملت ما در نبرد مشروطه خواهی از شگفتیهای تاریخ است. این پیروزی در درخشان پس از پیروزی در

امپریالیسم آمریکا ناچار ازین اردو کشی سهمگین بر ضد ملت ما است. اونیک دریافته که پیامدهای این نبرد تا چه اندازه گسترده و تا چه اندازه ژرف و سرنوشت‌ساز است.

امپریالیسم آمریکا به درستی تشخیص داده که پیروزی ملت ما در این نبرد ضربه‌ای است جانگداز و هستی سوز بر همه پیکره استعمار در سراسر جهان. ملت ما هم از ستیزه با استعمار خاطرهما و یادبودها دارد. از نخستین روزهای هجوم استعمار، مقاومت و مبارزه ملت ما آغاز شد و با فراز و نشیبهایی همواره ادامه داشته است. ملت ما هرگونه استعمار را در هر پوشش و هر نام شناخت و در برابر آن ایستادگی کرد. ملت ما در برابر هجوم استعمار هرگز فریب نخورد و هرگز میدان تهی نکرد. در یکمصد و پنجاه سال گذشته

آگهی حصر وراثت

بجای روزنامه جبهه ملی آقای عزت قیدی بشناسنامه ۹۴ صادره از دارآباد شمیران بشرح دادخواست کلاسه ۴۸۸/۷۱/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان رجیب طاهری عطار بشناسنامه ۳۷۰۰۶ تهران در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۲۸ در اقامتگاه دائمی خود شمیران فوت نموده و حین الفوت ورثه وی عبارتند از یک عیال دائمی بنام متقاضیه و ۵ پسر باسما ۱- مرتضی طاهری

عطار به شناسنامه شماره ۲۹۰ صادره از حوزه ۱۱ دارآباد-۲ مصطفی طاهری عطار بشناسنامه شماره یک صادره از دارآباد-۳ غلامرضا طاهری عطار بشناسنامه شماره ۴۰۱ صادره از دارآباد شمیران-۴ مجتبی طاهری عطار به شناسنامه شماره ۲۳ صادره از حوزه یک دارآباد-۵ عباس طاهری عطار بشناسنامه شماره ۱۳۹ صادره از شمیران و یک دختر بنام وجیهه طاهری عطار بشناسنامه شماره ۲۹ صادره از حوزه ۱۱ تهران و بغیر از نامبردهگان فوق ورثه دیگری ندارد.

بجای روزنامه جبهه ملی آگهی حصر وراثت

آقای سید محمد میر صالحی بروجنی به شناسنامه ۱۳۸۳ به شرح دادخواست کلاسه ۷۰۵/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان آقای طبا میر صالحی بروجنی به شناسنامه ۲۹۴۹ در تاریخ ۵۷/۷/۷۴ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی و سید محمود به شناسنامه ۲۶ و سید احمد به شناسنامه ۳۸ سید ابوالقاسم به شناسنامه ۲۰۳۴ و سیدحسین به شناسنامه ۲۸۴ و سید حسن به شناسنامه ۷ پسران و فاطمه به شناسنامه ۶۵۸۸۹ و زهره سادات به شناسنامه ۲۳۳۹۶ دختران شهرت همگی میر صالحی بروجنی و عفت قاسمیان بروجنی به شناسنامه ۵۵۳ همسر دائمی

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. رئیس شعبه اول دادگاه صلح تهران قاسم عبائی

مبارزه تنباکو راهگشا و برانگیزنده همه مبارزه‌های ضد استعماری شرق شد. ملت ایران با پایداری و فداکاری شگفت‌انگیز تاریخ را در مسیرهای تازه هدایت میکرد. مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت و آن درگیری پرشکوه، یادبود دیگری در حکایت‌های پهلوانی و نبرد به‌خا گذاشت. یک فصل بزرگ از مبارزه ضد استعماری با قیام تنباکو آغاز گردید و با ملی کردن صنعت نفت سرانجام یافت.

راهگشایی پیروزمندانه در مبارزه ضد امپریالیستی را تاریخ به نام ملت ایران رقم زده است. قدرت‌های امپریالیستی در هنگامه‌های شورانگیز مبارزه ضد استعماری مردم میهن ما، چاره‌ای جز واپس نشستن ندیدند، پرونده پیکارهای رهایی بخش ملت ما در بایگانی‌های وزارتخانه‌های امور خارجه کشورهای استعمارگر حکایتها از توانایی و فداکاری‌ها در خود نهفته است. قدرت‌های استعماری با آگاه شدن بر ظرفیت انقلابی ملت ما برای استوار داشتن سلطه خود روشهای تازه‌ای در پیش گرفتند. آنها از برخورد مستقیم و رودر روی تا توانستند، دوری گزیدند و گماشتگان خود را به نبرد فرستادند. آنها با تحمیل هیئت‌های حاکمه آلوده و تبه‌کار به ستیزه با مردم و غارت منابع

لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. رئیس شعبه ۴۷ دادگاه صلح تهران: افشارچی م-الف ۲۲۵۷۹ ۳-۳

بجای روزنامه جبهه ملی آگهی حصر وراثت

خانم زهرا سلطان- نقشه‌کش به شناسنامه ۲۰۸ مشهد به شرح دادخواست کلاسه ۳۵-۵۸-۷۱۲ این شعبه توضیح داده شادروان بابا حسین وطن دوست شیروان به شناسنامه ۲۹۹۳ در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۲۹ در گذشته وراثت حین الفوت آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر عیال دائمی متوفی ۲- محمد به شناسنامه ۷۶ صادره از مشهد-۳- مجید به شناسنامه ۳۱۲ صادره از مشهد-۴ محمود به شناسنامه ۲۷۰ صادره از مشهد فرزندان آن مرحوم شهرت همگی وطن دوست شیروان ورثه دیگری ندارد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه‌ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف م-الف ۲۲۰۳۸ ۳-۳

میهن ما و گسترش سلطه خود پرداختند. از روز ۲۸ تیرماه ۱۳۸۸ که محمدعلی میرزا به سفارت روس در تهران پناهنده شد تا امروز، قدرتهای استعماری حتی یک روز هم از دسیسه و نیرنگ در باره ما غفلت نکرده‌اند. منابع طبیعی و موقع جغرافیایی ایران، همواره از استعمار گران را به جوش آورده، سودای استرت مازا در ذهن ایشان برانگیخته است.

در نخستین روزهای پس از جنگ جهانی دوم، دولت انگلستان گروهی از روزنامه‌نگاران ایران را برای بازدید به انگلستان دعوت کرد. در میان این روزنامه‌نگاران، خلیل ملکی متفکر آزاد ایرانی هم به دیدار انگلستان رفت. در این سفر، جلسه دیدار و گفتگویی هم با وزیر امور خارجه وقت انگلستان پیش‌بینی شده بود. در این جلسه خلیل ملکی با شجاعت و فصاحت بخشی از ستمهای دولت انگلستان بر ایران را برمی‌شمارد و در پایان گفتار خود از وزیر امور خارجه انگلستان سؤال میکند: «از جان ما چه میخواهید؟»

وزیر در پاسخ ملکی فقط یک کلمه گفت «نفت». در آن روز منابع نفتی عربستان سعودی و شیخ‌نشینهای خلیج فارس کشف نشده بود و در خاورمیانه جاهای نفت است. ایران، اصلی‌ترین منبع امید مایه اوجیات اقتصاد صنعتی غرب بود.

و ایران را به عنوان یک تولید کننده نفت لازم داشت و دست از سرش برنمی‌داشت. با شناخته شدن منابع نفتی تازه و بسیار سرشار نفت در خاورمیانه. ایران از لحاظ دیگری هم مورد نظر قرار گرفت و علاوه بر فرستادن نفت و طیفه تازه‌ای هم برعهده‌اش باز شد.

وظیفه امن داشتن راهها و صدور نفت خاورمیانه به دنیای غرب. ایران وظیفه دار شد که منابع نفتی خود را در اختیار قدرتهای صنعتی غرب قرار دهد و فضای لازم برای بهرمندی غرب از منابع نفتی سایر کشورهای منطقه نیز فراهم کند.

نفت مایه اصلی اقتصاد غرب است، و مانند خون در رگهای صنعت غرب جریان دارد. بدون نفت تمامی صنعت و ماشین‌ها و کشتی‌ها و هواپیماها و تانکهای... غرب آهن پاره‌ای بیش نیست. غرب به نفت خاورمیانه همان اندازه احتیاج دارد که انسان به هوا. ادامه حیات غرب بدون برخورداری از نفت ایران محال است و این اصلی است غیر قابل انکار.

ایران بزرگترین و پرجمعیت‌ترین و تواناترین کشور منطقه است و آنچه در ایران بگذرد خواه ناخواه در سرتاسر منطقه بازتاب‌هایی خواهد داشت. و به طور طبیعی رویدادهای دامن‌دار و بزرگ ایران، بازتابهای ژرفتر و گسترده‌تر در منطقه به بار می‌آورد. انقلاب اسلامی ملت ایران که یک واقعه عظیم تاریخی

است نمی تواند بازتابهای شگرف در منطقه برنیاگیرد. روح استقلال طلبی که در سر تاسر پهن دشت ایران موج می زند، چگونه می تواند در سایر کشورهای منطقه بی اثر بماند. ایران نه فقط بزرگترین کشور منطقه است بلکه از فرهنگ سرشار و نیرومندی هم برخوردار است. نیرومندی فرهنگی و انقلابی شگرف ملت ما موجب شده است که اثرها از وجودش بتراود.

این تراوش اثر را در تمام طول تاریخ ایران میتوان به آشکارا دید. در اینجا در پی آن نیستیم که اثرهای ایران را در بر همه فرهنگ و تاریخ بازگو کنیم و در جای دیگر از این اثرها سخن خواهیم گفت.

در اینجا به فشرده گسی می خواهیم این نکته را در یادها زنده کنیم که ایران گسترانیکاه (مرکز ثقل) خاورمیانه است و خاورمیانه شریان حیاتی اقتصاد صنعتی دنیای غرب. خاورمیانه خون در رگهای اقتصاد صنعتی دنیای غرب جاری می کند. و این جریان خون از جهت های و ناگون زیر تاثیر ویدادهای ایران است. برجسته ترین زویداد کنونی ایران جوشش و گسترش روح استقلال طلبی است.

این جوشش و گسترش نمی تواند در منطقه اثر نکند و روح استقلال طلبی ملت ایران چون آب بر برکتی از فضای ایران میگردد و سرتاسر منطقه را زیر پر می گیرد و بر مردم تشنه استقلال باران جنبش و قیام می ریزد. با ثابت شدن ویا گرفتن استقلال و نوابستگی قطعی و کامل ایران، خاورمیانه دیگر بدین حال باقی نخواهد ماند، و از هر طرف فریاد استقلال طلبی بر خواهد خاست و دمیدن روح استقلال طلبی در منطقه به معنای صلاهی خطر برای ستم کنونی اقتصاد صنعتی غرب است.

روزگاری امپریالیستها در پی نفت ایران بودند اینک نفت ایران تنها خواسته اصلی آنها نیست. امپریالیسم می خواهد اندیشه استقلال و نوابستگی در ایران فراموش شود. اجرای این خواسته برای امپریالیسم حیاتی است و نمی تواند پا گرفتن گسترش اندیشه آنرا در این منطقه تحمل کند.

اثرهای فکری و سیاسی انقلاب اسلامی ملت ایران بر همه نهضت های آزادی بخش جهان سوم بخصوص در کشورهای اسلامی و پدید آوردن رونق و امید در میان آنها به جای خود موجب نگرانی کامل همه قدرتهای استعماری است و لسی آنچه در منطقه برمی گذرد برای ایشان مایه وحشت است. اوج گرفتن قدرت یافتن اندیشه استقلال و نوابستگی در ایران برای قدرتهای استعماری کابوسی است دهشتناک و طبیعی است که با اندیشه روحیه و خواسته م به ستیزه ای بی امان برخیزند. آنچه در هفتاد سال گذشته بر ملت ما روا داشته اند بر اساس و محوری قرار داشت که وزیر امور

خارج انگلستان آن را به روشی در پاسخ خلیل ملکی بیان کرد. اینک اگر پرسش حیل ملکی را دوباره مطرح کنیم و از گردانندگان سیاست های امپریالیستی پاسخ آن را به جوئیم، در این باره خواهد گفت «وابستگی». گردانندگان سیستم کنونی اقتصاد صنعتی غرب نمی توانند سلطه خود را در این منطقه جهان بر باد رفته ببینند. آنها اندیشه سلطه گرانه خود را به اقتضای ساخت اقتصادیشان ناچار در این منطقه دنبال خواهند کرد.

قدرتهای استعماری در هفتاد سال گذشته و به ویژه در دوران انقلاب اسلامی ملت ایران، رویارویی مستقیم با ملت ایران را تجربه کرده اند و از آن درسهایی تلخ گرفته اند. حوادثی هم که به تازگی در ایران برایشان گذشته این درسهایی تلخ را در ذهن آنان زنده ساخته است. به پیروی از این درسهای آنان هر راه دیگری را بر رویارویی مستقیم با ملت ایران ترجیح خواهند داد. آنان کوشش خواهند کرد که برای غلبه بر ما و برای گسترش سلطه خود بر ما از شیوه ها و وسیله های غیرمستقیم بهره بگیرند.

سیستم کنونی اقتصادی صنعتی غرب در همه گوشه و کناره های استقلال و نوابستگی ایران را برای خود زیان بخش میداند. هیچ گوشه آن از استقلال و نوابستگی ما خرسند نخواهد شد، میزان ناخشنودی هر کدامشان متفاوت است. اما در هر حال همه آنها در استقلال و نوابستگی ما، زیانها بر خویش می بینند. همصدائی آنها با یکدیگر در مبارزه با ایران از تصادف و اتفاق نیست. این همصدائی ناشی از ساخت اقتصاد آنها است. آنان قادر نیستند ساخت اقتصاد خود را چنان تغییر دهند که مناسب دنیائی عاری از سلطه باشد. راست است که امپریالیسم آمریکا سر کرده و پرچمدار روح سلطه گری دنیای غرب است. ولی آمریکا در سپردن این راه بازگو کننده خواسته های درونی و ذاتی همراهان خویش است. اقتصاد صنعتی غرب نخستین لطمه ای که از استقلال و نوابستگی ما خورده است به صورت کسر مهیبت از پرداختهایش جلوه کرده است.

و ادامه ویا گرفتن این استقلال، دشواری های بزرگتر برایشان خواهد آفرید همه آنها در ضربه زدن بر استقلال ایران همدستانند. و بارها گفته ایم اگر موفق شوند بر ما ضربه ای کاری وارد آورند، جبران کردن آنها به سالها وقت و ضایعات تمام تلاش خود را به کار گیریم که از وارد آمدن ضربه آنها جلوگیری کنیم. گفتیم در وارد آوردن ضربه تا بتوانند از برخورد رودرروپرهیز خواهند کرد. آنها وارد آوردن ضربه به دست گماشتگان خود را مناسبتر می دانند و برای وارد

بقیه از صفحه ۱

تعهد سنگین در برابر ملت

نشانیده است. تا آنجا که کار تر به روشی اعلام می کند که داغ بردل دارد. تلاش آمریکا برای درهم کوفتن انقلاب ما، راز سرپسته ای نیست. و آن کسان که در این باور به تردید باشند، خوبش می فریبند و خواب خوش می بینند. امپریالیسم آمریکا در اندیشه فرو کوفتن انقلاب ما است و در این راه از همه بازی ها و وسیله های ممکن بهره میگیرد. امپریالیسم آمریکا تمامی یاران خود را از اتلانتیک تا اقیانوس آرام و کناره های دریای سرخ و خلیج فارس برای رودررویی با انقلاب ما بسیج کرده، و اینهمه را کافی ندانسته، گماشتگان داخلی خود را به تکاپو در آورده است.

همه این نیروها که امپریالیسم آمریکا بسیج و تجهیز کرده، قادر به درهم کوفتن انقلاب ایران نیستند. این نیروها آنگاه توان ضربه زدن بر ما می یابند که فضای داخلی ایران آماده پذیرفتن ضربهای آنان باشد. تا آنوقت مردم ایران به پاسداری انقلاب ایستاده اند، و تا پیام انقلاب با جوشندگی در فضای مینهن ما طنین افکن است، همه فغانهای امپریالیسم آمریکا و دستیارانش را می توان به درشتی پاسخ گفت و همه تلاشهای او را می توان بی ثمر ساخت.

اصلی ترین تکیه گاه و اصلی ترین نیروی پیکار ملی ما، جوشندگی انقلابی ملت ایران است. تا این جوشندگی بر جاست، هیچ قدرت و هیچ سازو برگ جنگی یارای درهم شکستن ما را ندارد.

انقلاب ما بر نیروی پایان ناپذیر ملت تکیه دارد. و تا این تکیه گاه بریاست، هیچ گزندی بر انقلاب نخواهد رفت. خطر از آنجا آغاز میشود که این تکیه گاه استواری خود را از کف بنهد و در تلاطم فرورود.

تعهد ملت در برابر انقلاب، تعهدی یک جانبه نیست. تعهد ملت برای پاسداری از انقلاب، به طور طبیعی تعهدها بر انقلاب بار می کند. انقلاب در برابر ملت نیز تعهد دارد. هر تعهد ملت و انقلاب در برابر یکدیگر، تعهد دوجانبه است. هر کدام به یکدیگر تعهد دارند. ملت تعهد خود را در برابر انقلاب ادا کرده است و می کند و انقلاب هم باید به تعهدهای خود در برابر ملت وفا نماید، تعهد انقلاب در برابر ملت، تعهد سازندگی و بهروزی است.

اگر انقلاب نتواند این تعهد را به جای آرد بیم آن میرود که بر استواری حمایت ملت از انقلاب خدشه وارد شود. گذشت و اینار حیرت آور ملت ما در پیشگاه انقلاب تکلیفی سنگین بر شانه های همه کار بدستان می نهد. تکلیف پاسخ دادن به امیدهای فراوان مردم رنج دیده ای که پرچم انقلاب را بردوش کشیده اند، اگر به این امیدها پاسخ داده نشود، پدید آمدن سردی و افسردگی در قدرت پویانده انقلاب دور از تصور نیست. بی اعتنا ماندن به امیدهای ملت و پاسخ ندادن به خواسته های انسانی و طبیعی کوشندگان و پاسداران انقلاب، شور و هیجان انقلابی را می کاهد و در انبوه مردم روح بی تفاوتی و ناامیدی پدیدار می سازد و خطر از اینجا آغاز میشود.

اگر توفندگی انقلاب فروکش کند و اگر شورا انقلابی ملت کاستی گیرد راه بر هیولای امپریالیسم هموار شده است تا شور انقلابی مردم به جا است و تا فروشندگی ملت هر خس و خاشاک ضد انقلابی را می ریزد همه امیدهای امپریالیسم ناکام می ماند فقط آنگاه که شور و خروش انقلابی سستی گیرد و در جانهای شجاعان انقلاب رخوت پدیدار شود دشمن به درگیری با دستاوردهای انقلاب ما امید می بندد و قدم پیش می نهد و آزادی و استقلال ما را به لگد می کوبد.

امید انقلاب و امید دشمن در دو جهت متفاوت سیر می کند هر چه امیدهای انقلاب کاستی گیرد امید دشمن فزونی مییابد، و امیدهای انقلاب در پرتو قدرت سازندگی بسیار و

نظام دادگستری اوج میگیرد. بارها گفته ایم که انقلاب به درهم شکستن و از هم پاشیدن محدود نمی شود، انقلاب پس از درهم شکستن می باید به پی ریزی و ساختمان بسایی استوار و امید پرور و عهدالت گستر قادر آید ما دوران درهم شکستن بسای فرتوت و ستم آفرین را پشت سر گذاشته ایم.

اینک زمان سازندگی است و در حقیقت از زمان سازندگی مدتها سپری شده است و در کار ساختمان بنای نودیر کرده ایم. زمانهای بسیار را در این راه از کف داده ایم و زمانی و فرصتی اندک در پیش رو داریم باید که در این فرصت اندک شگفت آفرینی بکنیم و گر نه همه دستاوردهای ما و انقلاب ما به حطیر خواهد افتاد.

باید کار سازندگی جامعه نورا با چالاکتی بی سابقه آغاز نمایم. هر لحظه ای که از این پس از کف بدهیم ضربهای بر خویشتن زداییم. هیچ لحظه ای و هیچ روزی را نباید بی حاصل از دست رها کنیم. راست است که انقلاب ما آرمان های بزرگ داشته است، و راست است که انقلاب به وعده نعمتهای مادی پدید نیامده است، ولی پدید آوردن و ارمغان کردن زندگی بهتر بر ملت ایران تعهد ذاتی و طبیعی هر انقلاب است. انقلاب به فراهم داشتن آسایش بیشتر و وسایل رشد و پرورش استعداد و شخصیت همه مردم تعهد دارد و باید بدین تعهد خود عمل کند این تعهد در معنای کلمه انقلاب و در ذات جوشش انقلابی نهفته است. این تعهد موقوف به قرار کتبی، و یا پیمان نامه رسمی نیست، این تعهد در چگونگی شکل یافتن اوج گرفتن انقلاب درج است. کار بدستان کشور در برابر انبوه ززمندگان انقلابی تعهد دارند و باید به تعهد خود وفا کنند تعهد کار به دستان کشور بازسازی این ویران سرا و ستردن گردستم از پیکر مبارزان است.

در بازسازی کشور دیر و درنگ شده است، و هیچ درنگ دیگر روا نیست. بازسازی کشور را در پیچ و خم تلاشهای سیاسی گروه های طالب قدرت به خطر نیندازید، بازسازی کشور را در بیراهه های نظامها و نمادهای کبیبه شده از غرب سرگردان ندرید. زمان، زمان خطر است و دروان، دوران تسدراک سرنوشت کشور و نسلهای آینده آن، این زمان و این دوران را به تلاشهایی از گونه تهیه نظامنامه و تصویب نامه یا درگیری های خیابانی یا گفتگوهای عقیدتی یا پیکارهای تبلیغاتی هدر نکنید.

اینک مدتها است که کشور از داشتن هیئت دولتی نیرومند و استوار محروم مانده است و به بهانه انتخابات و ماندن آن از فراهم آمدن دولتی هر چه آگاهتر و هر چه با اقتدارتر و هر چه استوارتر جلوگیری شده است. در اساس ضرورت ایجاد مجلس شورای ملی و انتخاب نماینده و برگزیدن دولت به وسیله ایشان گفتگو نمی کنم. گفتگو از آن می کنم که برقرار داشتن دولت دوران ساز را نباید بدین بهانه ها تا این اندازه به دیری و درازا می کشانیدیم.

پدید آوردن پارلمان و برگزیدن دولت بر اساس رای نمایندگان پدیده ای است که از غرب به وام گرفته ایم و همه پارلمانتاریستهای بزرگ غرب، بدون هیچ استثناء پذیرفته اند که به هنگام بروز شرایط خاص و استثنائی و پدید آمدن جنگ و درگیری دام مدار پیمودن همه تشریف های پارلمانی ضرورت ندارد.

در چنین موردهایی می توان و باید از راههای میان بر و کوتاه به مقصد راه برد.

در طی دو جنگ جهانی اول و دوم همه کشورهای پارلمانتاریست جهان که نظام پارلمانی و دولتی ما از آنان تقلید شده است، پذیرفتند که به ارگانهای اجرایی خود اختیار نامحدود بدهند. و در این کشورها پارلمان در عمل به نیرویی غیرفعال بدل شد و چرخاندن نظام پر تحرک جنگی راهی غیر از این نمی توانست در پیش گیرد، طراحان حقوق اساسی در همه کشورهای پارلمانی این اصل را پذیرفته اند و به آن «اصل شرایط استثنائی» یا «قدرت ناشی از شرایط جنگی» نام داده اند. اینک ما درست در شرایط استثنائی هستیم و به «قدرت ناشی از شرایط جنگی» نیاز داریم.

باید بی اضطراب از طی نشدن شرایط پارلمانی بی درنگ به برگزیدن دولت بپردازیم و از دولت بخواهیم که تعهد سنگین انقلاب را در برابر ملت ادا کند.

لذا مراتب سه نوبت ماهی
بکمرته در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
رئیس شعبه ۲۴ دادگاه شهرستان تهران - سازگاری
م الف ۲۲۵۸۰

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه
در روزنامه محلی آگهی می شود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران - عبائی
م الف ۲۲۵۷۷

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمرتبه
در روزنامه محلی آگهی می شود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.
دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران - عبائی
م الف ۲۲۵۷۷

بجای روزنامه جبهه ملی آگهی حصر وراثت
خانم شوکت پاشنه طلاکبان
بشناسنامه ۳۳۲۷۱ شرح دادخواست کلاسه ۱۳۶۷/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان مرتضی دانشور راد بشناسنامه ۱۵۶۰ در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۲ درگذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه همسر دائمی و علی بشناسنامه ۱۵۰۰ پسر و پرورش بشناسنامه ۷۴۲ و سرتیاب بشناسنامه ۱۰۱۴ دختران شهرت همگی دانشور راد میباشند.
م الف ۲۲۵۷۷

بقیه در صفحه ۶

به استانهای کشور باید حق خود گردانی داد

اقتصاد کشور در راه فلج کلی

بستاند علاوه بر آنکه بخشهای بزرگی از میهن ما دشواری سیاسی در خور توجهی ندارند و بیشتر استانهای کشور آمادگیهای لازم برای اجرای برنامههای عمرانی برخوردارند. یکی از وسیلههای رفع دشواریهای سیاسی پدید آوردن رونق اقتصادی است. در بسیاری از جاها و بخشها تا رونق اقتصادی پدیدار نشود بی تعادلیهای سیاسی از میان نمی رود.

به امید آنکه افق سیاسی به طور قطعی و کلی صاف و روشن شود نمی باید اجرای برنامههای عمرانی را به فراموشی سپرد. بسیاری از دشواریهای اجتماعی و بی تعادلیهای اجتماعی کنونی ریشه در نابسامانی اقتصادی دارد، چنانکه بیکاری و گرانی و کمبود مسکن سرچشمه بسیاری از درگیریها و تشنجها بوده و یا دست کم بهانههایی برای پدید آوردن درگیری و تشنج فراهم آورده است.

در یک سال گذشته غلبه بر بسیاری از زمینههای بیکاری و هم چنین کاستن از بار سنگین گرانی نیز و تهیه مسکن ممکن بود.

هر اندازه در کار رشد و توسعه اقتصاد کشور درنگ شود در آیندهای بسیار نزدیک دشواریهای بزرگ پدید خواهد آمد و به طور طبیعی غلبه بر آنها هم بسیار سخت تر. باید ریشههای گرانی و بیکاری و کمبود مسکن را دریافت و به برطرف کردن آنها پرداخت.

نسبت به این وظیفه بزرگ غفلت شد و در سال گذشته چند صد هزار تن تازه وارد به بازار کار، بر خیل جویندگان کار افزوده شد و اگر امسال هم مانند سال گذشته به گنگو بگذرد، چند صد هزار نفر دیگر، به طور تقریب حدود ششصد هزار تن، بر شمار جویندگان کار افزوده میشود و آنگاه فراهم آوردن کار برای ایشان بسیار دشوارتر خواهد بود.

از نداشتن دشواریها برویهم باید پرهیز کرد زیرا انباشته شدن دشواریها می تواند بدانجا برسد که دیگر توانایی برطرف کردن آنها، در میان نباشد. در کشور ارگانهای گوناگونی وجود دارد و هر ارگان عهده دار کاری است، همه ارگانها نباید نیرو و وقت خود را به رفع دشواریهای سیاسی یا گنگو در باره آنها بگذرانند. رفع دشواریهای سیاسی را باید به ارگانهای سیاسی سپرد و ارگانهای اقتصادی و برنامه ریزی باید نیروی خود را در کار برنامه ریزی و رشد توسعه اقتصادی به کار گیرند. مردم انتظار داشتند در پایان نخستین سال پیروزی انقلاب گزارش روشنی از پیشرفتهای اقتصادی در همه زمینهها بشوند.

مردم انتظار داشتند با رقم و عدد سبب دقت از پیروزیهایی که در زمینههای گوناگون اقتصادی حاصل آمده آنگاه شوق و ملی پس از گذشت

بقیه از صفحه ۵

صحنه های اصلی ..

آوردن چنین ضربه ای باید زمینه سازی کنند. مناسبترین زمینه ای که ایشان را در اجرای خواسته شان کامیاب می دارد بر اثر دو شرط فراهم می آید.

یکی آشفته گی عمومی و دیگری پریشانی اقتصادی. اگر صحنه زندگی عمومی و سیاسی ما آرام و به نظم باشد و اگر قدرت اقتصادی ما به سامان و در کار باشد، وارد آوردن ضربه برای آنان بسیار دشوار و بلکه محال خواهد بود. اقتصاد پریشان و اوضاع آشفته سیاسی و عمومی است که دست سلطه جویان و گماشتگان شان را نیرو می بخشد. صحنه اصلی دشمن برای نبرد با ما، خیابانها، مدرسه ها، کارگاهها و سازمانهای اداری ما است. بر خوردهای خیابانی، آشفته داشتن شهرها و مدرسه ها، و بازداشتن چرخ کارگاهها حربهای دشمن برای از پا افکندن ما است. در همه هفتاد سال گذشته حربهای اصلی دشمن همین دو بوده است و آشفته گی اقتصادی و سیاسی صفحه تا صفحه تاریخ هفتاد سال گذشته با فصاحت این ماجرا را باز گو می کند. که هر بار دشمن با پریشان داشتن ساختمانهای اقتصادی و سیاسی بر ما چیره شده است و ما هر بار چیرگی او را به خون خود زدودهایم و سپس به پریشانی اقتصاد و سیاست خود

اقتصاد قبل از جنگ بشنوند. ولی بی گفتگو یکی از اساسی ترین کیفیتهای جنگی سرعت عمل است و حق دارند که بخواهند این اقتصاد جنگی به سرعت تنظیم و اعلام شود و دیر کرد در فراهم آوردن و به کار بستن آن باعث می شود که دیگر نتوان آن را اقتصاد جنگی تلقی کرد.

دیر کردن چشمگیر در تهیه و تنظیم بودجه جاری کشور هر شنونده عادی را بر آن می دارد که طرح فرضی اقتصاد جنگی را با تردید فراوان تلقی کند برای غلبه بر این تردید هیچ راهی جز سرعت در تهیه و اعلام طرح مورد نظر در میان نیست

از سوی دیگر پیش کشیدن اصطلاح «اقتصاد جنگی» پرسش تازه ای در ذهنها برمی انگیزد از فردای پیروزی انقلاب ملت ایران در حال جنگ بوده است جنگی آشکار و بی پرده با استعمار و همه جلوه ها و اثرها و یادگارهای آن و بسیار به جا می بود که از همان روزهای نخست طرح اقتصاد جنگی پیش کشیده میشود.

ناگواریهائی که از اقتصاد نظام سلطنتی وابسته به بیگانه بر جا مانده بود، در پیش گرفتن اقتصاد جنگی را ناگزیر می داشت فقر - بی کاری - بی سوادی - نارسائی تولید کشاورزی و صنعتی - کمبود شدید مسکن - گرانی کمر شکن - ترکیب تراکم نامناسب جمعیت - ویرانی عمومی بخشهای بزرگی از کشور - نرخ بالای بیکاری و بزه در زمینه نیروی کار صاحب تخصص - ناکار آمد بودن بخش

بزرگی از درس خوانده های کشور و نظام اداری کم کار و بی تحرک جز با در پیش گرفتن اقتصاد جنگی در میان نماند نبوده و نیست. نبرد ما تنها در صحنه نظامی نمی تواند محدود بماند، بلکه اصلی ترین صحنه های نبرد ما صحنه های اداری و اقتصادی است اگر ما در صحنه نبرد نظامی پیروز شویم، ولی در صحنه نبرد اداری و اقتصادی شکست بخوریم، بی گفتگو نبرد را باختیم. چگونه دست اندر کاران تنظیم برنامه های اقتصادی کشور نمی دانسته اند که پیروزی نظامی ما در گرو پیروزی های اداری و اقتصادی است سرپرست سازمان برنامه وجود چه در گفتار خود پیرامون بودجه کل کشور خود از «اقتصاد ناسالم و فاجعه آمیز رژیم گذشته» سخن رانده است و از «طرزهای عظیم و پرخرج و اکثر غیر مفید و در بعضی جهات مصر به مصالح ملی» یاد کرده و همچنین اضافه نموده است که «چون در شرایط محاصره اقتصادی هستیم دچار مشکلاتی در آینده خواهیم شد که در نتیجه تورم شدیدی در مملکت به وجود خواهد آمد که بر اثر آن اقتصاد ما به کلی فلج و به مصالح مملکت لطمه جبران ناپذیر خواهد خورد» اگر اینها شرایط اقتصاد جنگی نیست پس شرایط اقتصاد جنگی کدام است؟ سرپرست سازمان برنامه بودجه تمامی شرایط نامساعد اقتصاد را برمی شمارد ولی باز هم سیاست اقتصادی مناسبی برای غلبه بر آنها ارائه نمی دهد.

هر اس افکندن بی حاصل است. نوجوان به طور کلی از احساس خطر هراس نمی گیرد شاید بتوان گفت خطر را حس نمی کند و این خصلت کلی نوجوانان ما را موضوع اقتصادی و اجتماعی ایشان تأیید و تقویت میکند، حمله بردن بر ایشان خواب از دیدگان آنان نخواهد بود و فقط شکاف اجتماعی و سیاسی را عمیقتر و دردناکتر خواهد ساخت. هیچ مسئله اجتماعی را با اسلحه سرد یا گرم نمی توان حل کرد. و اگر در شرایطی با به کار بستن فشار بتوان برای مدت کوتاهی شکافهای اجتماعی را از نظرها پوشیده داشت ایران، اینک در چنان شرایطی نیست در شرایطی که ما قرار گرفته ایم به کار گرفتن فشار برای هیچ مدتی شکافها را ترمیم یا پوشیده نخواهد داشت.

از زاویه دیگری به مجموع جریان سیاسی اجتماعی نگاه کنیم: پرداختی به فشار و به کار گرفتن قدرت سلاح سرد و گرم نمایانگر یک واقعیت است، واقعیت ضعف مدیریت عمومی کشور. اگر مدیریت عمومی کشور در سال گذشته با آگاهی و دقت و سرعت وظیفه های خود را اجرا کرده بود، اینک برای توجیه خود ناگزیر به کار گرفتن اسلحه و وارد کردن فشار نبودیم، کارنامه یک ساله مدیریت عمومی کشور دستاورد های امیدبخشی را نشان نمی دهد. این کارنامه تپه

و برعکس با روشنی اعلام میدارد که «ما اسیر این طرحها هستیم» باید یاد آور شد که ما اسیر هیچ طرحی نیستیم باید دارای و در آمد کشور در بهترین و شایسته ترین راه ممکن خرج گردد هر طرح را که بی فایده یا حتی کم فایده است باید با قاطعیت

به کنار زد و آن طرحها که تأمین کننده اقتصاد با رونقی است به کار گرفته شود. اگر اقتصاد ایران در مسیر فلج شدن پیش می رود پس چرا در دگرگون داشتن آن درنگ شده است.

اقتصاد جنگی در آن هنگام باید به کار گرفته آید که اقتصاد یک کشور در راه فلج کلی افتاده باشد و بر حسب اعلام سرپرست سازمان برنامه و بودجه اقتصاد ما به طور قطعی و دقیق در چنین راهی سیر می کرده است، پس به امید چه نشسته اید چرا از ماهها قبل به فکر اقتصاد جنگی نبوده اید اگر لازمه اقتصاد جنگی لشکر کشی یک کشور خارجی است که ماهها قبل امپریالیسم امریکا عظیم ترین نیروهای جنگی دریائی همه تاریخ را در یکجا در کنار مرزهای آبی، کشور آماده ساخت.

آیا علاوه بر پریشانی عمومی اقتصاد کشور این تمرکز عظیم ظرفیت جنگی در کنار میهن ما کفایت نمی کرد که به خود آیم و راهی برای خروج از بن بست حیرت آور کنونی بجوئیم. ماهها است که همه جهانیان از تدارک های نظامی وسیع امپریالیسم امریکا در مرزهای میهن ما سخن می گویند.

مدیریت عمومی کشور است که از یک سو به نظریه پردازان خوش خیال فرصت جلوه گری می دهد و از سوی دیگر مدیریت کشور را در توجیه خود به بهره گیری از فشار می راند. همه میدانیم که آن نظریه پردازان و این فشار در این حد و این سطح باقی نمی ماند و از هر دو سو اوج و گسترش خواهد یافت. و سرانجام بدانجا خواهد رسید که دشمن می خواهد. اگر از گروهها می خواهیم که از به خیابان ریختن و آشوب بر پا کردن بگذرند و اگر از نظریه پردازان و سیاست بازان می خواهیم که از خوش خیالی دست بکشند از شتاب کردن در آزمایش پندارهای خود برای مدت کوتاهی بگذرند و اگر از همه کارگران و کارمندان می خواهیم که با همه توش و توان به کار برخیزند ناچار باید از مدیریت عمومی کشور هم بخواهیم که مسئولیت بیشتری احساس کند و کوشش خود را چنان سازمان دهد که نتیجه های قابل لمس و قابل تحسین از آن برخیزد.

اگر مدیریت کشور نتواند در کارنامه خود دستاورد های قابل تحسینی ارائه دهد. به سختی میتوان دهان خرد گریان را بسته نگاه داشت. از همگان نظم و کار می خواهیم و از مدیریت کشور وسعت نظر و کار آیی، نا آگاهی و ناتوانی مدیریت در اجرای وظیفه های خود زبانی بیشتر و توجیهی کمتر دارد.

ولی برنامه ریزان ما آن را به دیده اغماض نگرسته اند و بودجه و سیاست خود را بر اصول و شیوه های غیر جنگی استوار کرده اند آیا نظام و سازمان نظامی تاریخ را به هیچ بگیرد و باید آنقدر خوش خیال و دیر باور باشد که عظیم ترین تدارک نظامی تاریخ را به هیچ بگیرد و باید آنقدر منتظر بماند تا هواپیمای آمریکائی در داخل کویر آتش بگیرد و سپس در پرتو آن آتش بتوان اقتصاد خود و اطراف خود را دریافت.

ماهها پیش مردم میهن ما اعلام روزه کردند با این بیان وارد شدن خود را به نظام اقتصاد جنگی به آگاهی جهانیان رسانیدند در آن روز برنامه ریزان کشور چه در سر می پروراندند و چه راهی برای اقتصاد کشور پیش بینی میکردند وقتی جوانان و پسران ما گروه گروه در مدرسه ها و کارگاهها به موج امید بخش روزه گیری می پیوستند و از سوی دیگر برنامه ریزان «فلج کلی» اقتصاد را در می یافتند چرا به تدبیر و تلاش برخاستند و حتی وظیفه جاری خود را که تنظیم بودجه به روال عادی است در هنگام معین اجرا نکردند.

ما نمی خواهیم این گفتگو را با واژه های هیجان انگیز احساساتی در آمیزیم تا مبادا موجب دل سردی و سستی دست اندر کاران برنامه ریزی کشور شود ولی با اصرار تمام میخواهیم که آنچه را به نام اقتصاد جنگی در ذهن دارند با سرعت تنظیم و اعلام کند که در این کار دیر کردن بیشتر روا نیست.

زمین و آب باید ملی گردد و به خانواده های کشاورز سپرده شود

دفاع از ایران با شعار امکان پذیر نیست

نوشته‌های قبلی این مجله و ادعاهای دولت آمریکا درباره مقاصد صلح‌جویانه و بشرف دوستانه و قانونی (!) خودشایان توجه است.

پس از همه توجه شما را به قسمت زیر از مقاله جلب میکنیم که مینویسد:

«هم‌پرزیدنت کارتر و هم‌وزیر دفاع آمریکا هارولد براون... حقیقتی را آشکار کردند که تعجب‌آور نبود، ولی بدقت محرومانه نگهداشته شده بود. واقعیت این بود که تمرین برای عملیات رهائی گروگانها در نوامبر ۷۹ (آذر ۵۸) مدت کوتاهی پس از اشغال سفارت آغاز شده بود. ادعاهایی که دائماً توسط کارشناسان امنیتی پنتاگون، وزارت امور خارجه و کاخ سفید تکرار میشد مبنی بر اینکه هیچ نوع اقدام نظامی برای رهائی گروگانها امکان‌پذیر نیست، برای این بود که گروگان‌گیرندگان باور کنند که هیچ کوششی از طرف آمریکا برای رهائی گروگانها آغاز نشده است.»

باید توجه داشت که این فریب دستگاه‌های تبلیغاتی آمریکا با اینکه از نظر مقامات ایرانی پنهان نماند ولی اقدامی هم در زمینه جلوگیری احتمالی از یک حرکت ناگهانی و غافلگیرانه دشمن بعمل نیامد و دستگاه‌های اطلاعاتی و نظامی ایران چهار ساعت پس از اینکه کلیه نیروهای مهاجم از ایران خارج شده بودند و بر روی نوار تلسکس خبر گزاریهایی گوناگون جهان از وقوع چنین حادثه‌ای اطلاع یافتند، چون درباره عدم کارآیی سیستم‌های کنترل و مراقبت نیروها باندازه کافی مطلب نوشته شده است، در اینجا این مطالب را تکرار نخواهیم کرد، ولی صرف نظر کردن از بی‌توجهی مسئولان کارها با وجود اطلاعات و آگاهی‌هایی که وجود داشته، چیزی نیست که بتوان باین سادگی از آن گذشت. در ارتباط با این مسئله توجه شما را به مطلب دیگری از همان مقاله مجله تایم جلب میکنیم که مینویسد:

«ایرانیان حتی نقشه محل فرود آمدن سی-۱۳۰ها را در اختیار داشتند. این نقشه در میان کاغذهای محمود جعفریان- که یکی از استراژیست‌ها عملیات ضد شوروش شاه بود و پس از انقلاب در حدود یکسال قبل اعدام شد- پیدا شده بود. جعفریان در هنگام دستگیری بوسیله انقلابی‌ها سعی کرده بود که این نقشه را بسوزاند. جعفریان به دستگیر کنندگان خود گفت که محل مورد اشاره بطور محرمانه ولی با اطلاع شاه برای امکان استفاده اضطراری توسط سی-۱۳۰ ای ساخته شده است. نیروی هوایی ایران پیشنهاد کرد این محل را ویران کنند، بدلیل اینکه گمان میبردند در آن ابزار راهنمائی هوانوردی پنهانی وجود دارد که ممکن است هواپیماهای آمریکائی را برای فرود آمدن هدایت کنند.

ولی دولت ایران بقدری سردرگم بود که هیچ کاری در باره آن نکردند و هنگامیکه یک افسر ایرانی پافشاری کرد که بر روی این موضوع تصمیمی بگیرند توسط یک افسر ارشد باو گفته شد که: «امریکائیها باید از کشف این محل توسط ما اطلاع پیدا کرده باشند و بهمین جهت هرگز امکان استفاده از آنرا مورد توجه قرار نخواهند داد.»

بدون اینکه قصد تنقید از شخص معین و یا حقیر جلوه دادن کوششهای نیروی هوایی را در مقابله با توطئه‌های آمریکا داشته باشیم، ناچاریم بخواهیم که نیروی هوایی صریحاً در برابر این اطلاعاتی که در یک مجله خارجی منتشر میشود حقیقت موضوع را بگوید. آیا نقشه‌ای که از آن صحبت شده وجود داشته؟ و آیا افسری که میگویند اصرار داشته روی موضوع انهدام فرودگاه طیس تصمیم‌گیری شود حقیقی است و یا ساخته و پرداخته دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکاست؟ هم‌چنین دولت باید توضیح دهد که در صورت اطلاع چرا تصمیمی در مورد این فرودگاه نگرفته و در صورتی نیز که حمله از طریق این فرودگاه را محتمل نمی‌دانسته است لاقلاً برای محافظت آن چه اقدامی بعمل آورده بوده است؟

ممکن است برخی بگویند اکنون که این موضوع گذشته است، تحقیق در این باره چه کمکی بماند که ما در عین حال که از گذشته پند میگیریم و تجربه میاموزیم، بازرنگری در سهل انگاریهای گذشته و احیاناً تنبیه سهل انگاران، امکان اتفاق مجدد اشتباهات را بحداقل میرسانیم. نکته دیگری که بسیار جای سؤال است، دروازه‌های باز این کشور و معیارهای شخصی و گروهی است که برای راه دادن اشخاص و یا نهادهای به اصطلاح بین‌المللی به محوطه سفارت بکار برده شده است. برای اینکه هم‌میهن ما بدانند این نهادها چه کارهایی را برای آمریکا انجام میدهند باز هم نظر شما را به این قسمت از مقاله مجله تایم جلب میکنیم:

«زمان برای حرکت اکنون رسیده بود. یک بازدید صلیب‌سرخ بین‌المللی مؤید این بود که همه (۵۰ نفر) گروگانها هنوز در محوطه سفارت نگهداری میشوند. نقشه‌کشان آمریکائی هم چنین اطلاع پیدا کرده بودند که از شمس‌سار نگهبانان رزمنده سفارت کاسته شده است.»

بدون شک هر یک از این اطلاعات که بنظر جزئی میرسند برای دشمن بسیار سودمند بوده‌اند و بهیچوجه آشکار نیست که اگر ما در یک حالت ستیز و مبارزه با آمریکا بسر میبریم و به خدعه و نیرنگ دشمن نیز آگاهی داریم، پس اشتباهات عذیده در مورد راه دادن انواع و اقسام آدمها و تهدادها بداخل لانه جاسوسی برای چه بوده است.

مجله تایم یک قسمت دو پهلوی دیگر نیز دارد که برای آگاهی ما در آینده و برنامه‌ریزی اضطراری برای مقابله با آنچه ممکن است امریکائیها در سر داشته باشند نقل میشود و توجه شما را به توضیحی که مقامات دولتی آمریکا درباره نقشه رهائی گروگانها در صورتیکه مأموریت با موفقیت توأم می‌بود جلب میکنیم:

«هلی‌کوپترها قرار بود کماندوها را به یک مقر دوم در نزدیکی تهران که «پناهگاه کوهستانی» نامگذاری شده بود و از نیروهای دفاعی و رادار ایران بعلت وجود کوه در امان بود انتقال دهد. بعضی از کماندوها قرار بود بوسیله کامیون خود را به محوطه سفارت برسانند- گرچه اینکه وسیله نقلیه از کجا خواهد آمد بصورت معمائی باقی ماند. قرار بود رهاندگان در یک زمان از پیش تعیین شده، نگهبانان را غافلگیر و آنها را بوسیله گلوله و یا سلاح شیمیائی از پای در آورند و درست در همین هنگام هلیکوپترها برپام سفارت فرود آیند و گروگانها و گروه کماندوها را به محل «ملاقات» دیگری با سی-۱۳۰ها حمل کنند. سپس هلیکوپترهای سی-۱۳۰ استالیون را رها کرده و همگی بوسیله یک هرکولس بزرگ به محل امنی منتقل شوند.»

«این سناریوی غیردقیق بسیاری از کارشناسان آشنا باین نوع عملیات را قانع نکرد. آنها حدس میزدند که نوعی کمک محلی در انتظار کماندوها بوده است- یا بوسیله ایرانیان دوستدار آمریکا و یا جاسوسهای آمریکائی که قبل از شروع عملیات به ایران فرستاده شده بودند. یک کارشناس نظامی اسرائیلی گفت: «شما نمی‌توانید سفارت را با ۹۰ نفر و ۸ هلیکوپتر زیر کنترل خود بیاورید.»

یک مجله معتبر مصری بنام «اکتبر» نوشت که ۴۰ ایرانی تعلیم یافته در آمریکا در این عملیات شرکت داشته‌اند و هیئت حاکمه آمریکا هیچ نوع اظهار نظری راجع به این گزارش نکرد.»

ظاهر قضیه اینستکه مقامات دولتی آمریکا دارند بقیه داستانی را که اتفاق نیفتاد تعریف میکنند. ولی جاهای خالی در این توضیحات بسیار است و همانطور که آن کارشناسان اظهار نظر کرده‌اند بعید بنظر میرسد که آمریکا با چنین نیروی اندکی برای آن هدف بزرگی که ادعا کرده به ایران آمده باشد.

حدس‌های بسیاری در مورد مقصد آمریکا از کاریکه انجام گرفت و شایعات بسیاری درباره آنچه در واقع صورت گرفته است در جریان است. وظیفه ما نیست که در این حدس زدن‌ها و در دامن زدن به این شایعات شرکت داشته باشیم. بلکه برماست که به مسئولان هشدار دهیم که دشمن زیرک‌تر از آنست که ما می‌پنداریم و کماکان راه گمراه کردن نیروهای دفاعی، دولت و مردم ما را با هشیاری و خیرگی بیش از حد ادامه میدهد که یکبار دیگر ایران را غافلگیر کند.

باندونگ

بدنبال آن نهضت‌های ضد استعماری در سراسر جهان نیرویی بی‌سابقه یافت. جنگی که در باطن با برخورد قدرتهای توسعه‌طلب شروع شده بود تحولاتی بزرگ در کشورهای آسیائی و افریقائی بوجود آورد که استعمارگران را وادار به آزاد ساختن تدریجی سرزمین‌های زیر سلطه نمود. مبارزه مردم چین و هند در راه استقلال و آزادی در شروع این نهضت‌های ضد استعماری سهمی بسزا داشت. پس از استقلال هند و اندونزی، ایستادگی شوراهای استعمارگر در برابر نهضت‌های ملی روز بروز کاستی گرفت. پیکار عظیم ملت ایران علیه استعمار انگلیس جانی تازه به کالبد کشورهای زیر سلطه بخشید و سرانجام سیستم استعماری جهان پس از دو قرن حکومت بر دو قاره آسیا و افریقا در برابر این رویدادهای عظیم تاریخی در هم شکست و پایه‌های آن یکی پس از دیگری فرو ریخت. بیست و پنج سال پیش در سوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۴ کنفرانس باندونگ بگونه‌ی اولیین و بزرگترین کنفرانس همبستگی مردم آسیا و افریقا با شرکت بیست و چهار کشور، طلیعه‌ی رهایی نهائی مردم استعمارزده‌ی جهان سوم بود که مردان بزرگی چون نهرو، سوکارنو، تیئو و ناصر پرچمدار آن بودند.

این رهبران روشن‌بین و آینده‌نگر و شجاع به حق اعتقاد داشتند که راه رشد و توسعه به بن بست ختم نمی‌شود. شکست‌ها و عقب‌ماندگی‌های

گذشته علل تاریخی معینی داشته که روشن شده است و بیداری و آگاهی ملتها و شناخت این علتها بگونه سلاحی پراثر و شکست‌ناپذیر- راه برداشتن دشواریهای رسیدن به افق‌های روشن را در برابرشان گشوده است.

به یاری همین سلاح، ملتهای جهان سوم به تسخیر عملی آینده‌ی خود و پیکار علیه همه‌ی سدهایی که جهان‌خواران کاپیتالیست و یا کمونیست پدید می‌آورند بپردازند.

با شناخت نیروی خلاق و معجزه‌گر ملی، دگر چین حمله‌ای با دید و برداشتی انقلابی و با استفاده از روش‌های ابداعی خاص زمان و مکان انجام میگرفت، حساب‌های گذشته همه نقش بر آب بود و دنیای دو قطبی ناچار از محاسبه‌ی قدرت بی‌انتهای ملت‌های رهاشده‌ی «جهان سوم» می‌گردید.

با از میان رفتن چهارمهای درخشان کنفرانس باندونگ این امیدرو به‌ضعف‌نهاد و استعمار با چهره‌ای تازه پرداخته و لباسی نو، کم و بیش حضور خود را در میان همه‌ی ملت‌های که رویای رهایی و استقلال برزندگی آنها سایه افکنده بود به نمایش گذارد.

ولی اکنون با پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران و ضربه‌ی هولناکی که بر پیکر قدرتهای سلطه‌جو، در سراسر جهان وارد آمده و حتی در قلمرو دو ابرقدرت در اروپای غربی و خاور دور رخنه‌هایی پدیدار شده است، جهان سوم به نهایت نیرومندی خود نزدیک میشود. بیست و پنجمین سالگرد کنفرانس باندونگ در هنگامی

حمله چماقداران به گردهمائی‌های روز کارگر در خزانه و میدان آزادی

بر اساس گزارش مطبوعات و اعلام سیمای جمهوری اسلامی ایران، به دو گردهمائی که بمناسبت روز جهانی کارگر و با اجازه رسمی وزارت کشور در میدان آزادی و ترمینال خزانه انجام گرفته بود، از طرف گروه‌هایی که با چوب و چماق و انواع سلاحهای سرد مسلح بودند و شعار «حزب فقط حزب‌الله» را تکرار میکردند حمله شد و تعداد زیادی مجروح و مصدوم بجای گذاشت. ما که همواره مدافع آزادی گفتار و نوشتار و تشکیل اجتماعات بودیم و همه گاه حمله به اینگونه اجتماعات را که بوسیله عناصر شناخته شده و با برنامه قبلی صورت میگیرد محکوم نموده‌ایم، بار دیگر به اعلان و گردانندگان این گروه‌های ضد ملی هشدار میدهیم که ملت ایران از دستاوردهای انقلاب خونین خود تحت هر شرایطی دفاع خواهد کرد و آنها را گرامی خواهد داشت.

این وظیفه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران است که هم اکنون کلیه سناریوهائی را که ممکن است دشمن مورد نظر داشته باشد بررسی کند و برای هر یک از آنها

راه‌های مقابله را مشخص کند و بلافاصله دست به اقدامات احتیاطی بزند. ملت ایران غافلگیری مجدد را به دست اندرکاران نخواهد بخشید.

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیمی
زیر نظر شورای نویسندگان
شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی
خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷
صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

فرا میرسد که حساب‌های گذشته و خواب‌های طلائی استعمارگران نقش بر آب گردیده است، چنین سالگردی امیدبخشی فرخنده باد.

یادواره

دکتر مکرری سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در آئینی که بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد کنفرانس باندونگ شروع نهضت کشورهای غیر متعهد در آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی برگزار گردید سخنانی چند ایراد نمود

دکتر مکرری ضمن تجلیل از بینانگزاران نهضت کشورهای غیر متعهد از جمله جمال عبدالناصر و پاندیت نهرو اظهار داشت فکر گردهم آئی کشورهای غیر متعهد هم‌زمان با آغاز مبارزات ضد استعماری مرحوم دکتر محمد مصدق در ایران بوجود آمد. دکتر مصدق که مشاهده میکرد استعمارگران غرب در تمام کشورهای جهان سوم باارتکاب ننگین‌ترین جنایات خواه مستقیم و خواه توسط سالیان دراز ردیلا نه به مکیدن خون خلق پرداخته‌اند پیروزی در مقابله با این آفت بزرگ جهانی را در اتحاد و همبستگی تمام کشورهای جهان سوم میدانست و آنرا به کرات مطرح کرده بود. امپریالیزم غرب با انجام یک کودتای کیف در ایران دکتر مصدق را از میان برداشت ولی خوشبختانه نتوانست طرز تفکر او را نیز از بین ببرد و با همت شخصیت‌های بزرگ

تاریخ سازی چون جمال عبدالناصر و پاندیت نهرو بدنبال کنفرانس باندونگ، جنبش کشورهای جهان سوم اوج گرفت و همبستگی ملل مشرق زمین پیروزی مبارات استقلال طلبانه بسیاری از کشورهای آسیا و افریقا را باعث شد.

دکتر مکرری افزود متأسفانه بعلت یورش وحشیانه امپریالیزم آمریکا بر ایران در خلال بیست و پنج سال گذشته ایران نتوانست آنچنانکه باید در جنبش‌های ضد سلطه‌گران نقشی را در طی اینمدت هرگز لحظه‌ای از مبارزه علیه امپریالیزم غرب دست نکشیدند و بالاخره با دادن شهادی بسیار و معلولین و شکنجه شده‌های فراوان نهضت مردم ایران با بر خورداری از ایدئولوژی جهانی اسلام به زعامت امام خمینی به پیروزی رسید. متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی ایران کشور ما که تا یکسال قبل با زنجیرهای استعمار در دام پیمان‌های تجاوز طلبانه نظامی و اقتصادی مقید شده‌بود آزادی واقعی خود را بدست آورد و با خروج از این پیمانها مجدداً به جنبش کشورهای غیر متعهد پیوست.

استوار باد همبستگی همه نیروهای انقلاب اسلامی ملت ایران

از خبرهای هفته

نصب ساعت‌های اتوماتیک بجای مجسمه‌ها

روابط عمومی شهرداری تهران هفته گذشته طی اطلاعیهای اعلام کرد که در نظر دارد بر روی پایه‌های موجود مجسمه‌های طاغوت ساعت‌های اتوماتیک نصب نماید.

گرچه هنوز معلوم نیست که شهرداری تهران این ساعتها را از کجا خواهد خرید، چه بهائی برای آن خواهد پرداخت و هزینه نصب و راهاندازی و نگهداری آنها چقدر خواهد بود، اما این مبلغ هرچقدر هم ناچیز باشد مسلماً باندازهای هست که بتوان زباله‌های یک گوشه از این شهر را جمع‌آوری کرد یا قسمتی از جویهای آب جنوب شهر را لایروبی نمود یا حداقل با آن پول به پاکیزگی همان میدانهای مورد توجه شهرداری تهران پرداخت.

نگرانی «ونس» از اقدامات نظامی کارتر علیه ایران!

یک روزنامه چاپ لندن در هفته گذشته نوشت که سائروس ونس وزیر امور خارجه مستعفی امریکا در جلسه تودیع با همکارانش گفته است از این بیم دارد که کارتر در خلیج فارس مجدداً دست به عملیات نظامی بزند. این روزنامه از قول ونس اضافه میکند که یکی از دلایل استعفايش این بوده است که کناره‌گیری وی مانع عملیات نظامی امریکا علیه ایران بشود. اما در عین حال وی اعتقاد دارد که بیانات صریح برژینسکی، مشاور امنیتی کارتر، در مورد احتمال تکرار اقدام نظامی امریکا در خلیج فارس صرفاً یک حرف نیست و نشان‌دهنده قصد امریکا به انجام عملیات جدید نظامی بر علیه ایران است. از سوی دیگر هفته گذشته ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران به نیروهای مسلح هشدار داد که از سوی امریکا توطئه دیگری در شرف تکوین است که با احتمال قوی بزودی به موقع اجراء گذاشته خواهد شد.

با توجه به این نگرانی که از هر دو سو وجود دارد و با نگرشی به نقل و انتقالات نظامی امریکا در خلیج فارس و گوشه‌های دیگر خاورمیانه، باین نتیجه میرسیم که احتمال حمله نظامی مجدد امریکا به ایران یا اجراء توطئه جدیدی را که بتواند شکست قبلی امریکا را جبران کند، نباید از نظر دور داشت.

در این رابطه مین ما، که یکی از حساس‌ترین مراحل تاریخ حیات خود را میگذراند، به آنچه که بیش از همه نیاز دارد وحدت عمل تمامی نیروها و دست‌اندرکاران حکومت است و لازمه این وحدت کوتا شدن دست قدرت‌طلبان و انحصار گران از دامان انقلاب خونین ملت ایران.

تشکیل کمیته مشترک برای برقرای امنیت

در پی انفجار بمب‌های پیاپی در تهران، که شاهدان عینی تعداد کشته‌شدگان و مجروحان حادثه را بیش از تعداد اعلام شده ذکر میکنند، آیت الله مهدوی کنی سرپرست وزارت کشور در هفته گذشته طی اطلاعیهای اعلام داشت که برای جلوگیری از تکرار این قبیل حوادث و برقراری امنیت، کمیته مشترکی از سپاه پاسداران، کمیته مرکزی و شهرداری کل کشور تشکیل میشود که حفظ نظم و امنیت را بعهده خواهند گرفت سرپرست وزارت کشور در این اطلاعیه افزوده است که طبق ضوابط خاصی از نیروهای مردمی که در اوائل انقلاب در محل‌ها پاسداری میدادند، دعوت بعمل میآوریم که برای مقابله با اینگونه حوادث، بکمک مأمورین، حفظ امنیت محلهای خود را بعهده بگیرند.

گرچه معلوم نیست تا تشکیل این کمیته مشترک چند بمب دیگر در گوشه و کنار تهران و احیاناً شهرهای دیگر منفجر خواهد شد و چه تعداد تلفات ببار خواهد آورد، اما آنچه از هم اکنون روشن است نداشتن ضابطه و مشخص نبودن مسئولیتها در این کمیته است.

ای کاش آیتالله مهدوی کنی ضمن مشخص کردن «ضوابط خاص» برای دعوت از نیروهای مردمی در محله‌ها، روشن میکردند که ضوابط حاکم بر این کمیته مشترک و حدود وظائف و مسئولیتهای هر یک از عناصر تشکیل دهنده آن چیست تا هم تکلیف و وظیفه مردم در بازرسی‌ها و بازداشت‌های احتمالی مشخص شود و هم شهرداری و سپاه پاسداران و کمیته مرکزی به حدود اختیارات و روابط میان خود آگاه شوند.

نمایش اجساد مهاجمان امریکائی در سیمای جمهوری اسلامی ایران

هفته پیش اجساد و قطعات جدا شده بدن مهاجمان امریکائی به معرض نمایش مردم و خبرنگاران داخلی و خارجی گذاشته شد و بدنال آن سیمای جمهوری اسلامی باز هم دست به گناه نابخشودنی دیگری زد و فیلمی از این نمایش را که در آن گروهی بی‌مسئولیت، با اجساد و قطعات جدا شده و ذغال مانند مهاجمان امریکائی به بازی و شوخی مشغول بودند، بمعرض دید همگان گذاشت.

اثر منفی این فیلم روی فکر و ذهن بینندگان ایرانی کافی بود که تبلیغات چی‌های کاخ سفید را بر آن دارد تا حداکثر استفاده را در برانگیختن احساسات مردم امریکا بکنند و همین کار را هم کردند.

تلویزیونهای امریکا و اروپا با نشان دادن این صحنه‌ها و تفسیرهای مغرضانه‌ای که بر آن کردند، توانستند اثرات منفی حمله نظامی امریکا به ایران را در میان مردم و اروپا خنثی کنند و دوباره آنها را متقاعد سازند که باید به ایران حمله نظامی کرد.

ما میبیرسیم آیا وقت آن نرسیده که دست اندرکاران حکومت و بخصوص شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بخود بیایند و متوجه اینهمه ندانم بکاری و بی‌مسئولیتی خود بشوند؟

آنها باید بدانند که مردم بخوبی متوجه این خطاها و سهل انگاری‌ها هستند و هرگز از آن به آسانی نخواهند گذشت.

اصول طرح اقتصاد جنگی ایران اعلام شد

مهندس عزت‌الله سبحانی چهارشنبه گذشته اعلام داشت که طرح اقتصاد جنگی ایران در مقابله با محاصره اقتصادی امریکا و متحدان او با مشارکت وزارتخانه‌های نفت، صنایع و معادن، اقتصاد و دارائی، بازرگانی و سازمان برنامه و بودجه و بانکهای مرکزی و ملی، توسط متخصصین امر تا پایان اردیبهشت ماه جاری تهیه و تدوین میشود.

مهندس سبحانی گفت: تأمین حیات کشور، خودکفائی در برابر هر گونه محاصره اقتصادی، گسترش عدالت و قسط اسلامی و اجتماعی و تأمین حیات اقتصادی کشور در شرایط محاصره، از جمله مهمترین رئوس طرح اقتصاد جنگی خواهد بود.

آنچه مسلم است علیرغم تصفیلهای بی‌منطق و غرض‌ورزانه‌ای که طی آن بسیاری از متخصصین ادارات و سازمانهای مختلف دولتی بناچار خانه‌نشین شده‌اند، ما هنوز میتوانیم از خدمت معدودی از آنها که از این مصیبت جان سالم بدر بردند برخوردار شویم. امید آنست که در این مرحله حساب دست‌اندرکاران حکومت صرفاً بخاطر اینکه حرفی زده باشند و خودی نشان بدهند، مردم را دچار امیدهای واهی نکنند و اگر اعلام مینمایند که طرح اقتصاد جنگی در دست تهیه است، برآستی و با تمام امکانات از وجود متخصصین آگاه و صاحب صلاحیت استفاده نمایند.

باشد که بتوان تخصص را جانشین عقده و حقارت و تنگ‌نظری‌های عامیانه نمود.

فعالیت‌های سیاسی در دبیرستانهای اهر ممنوع شد

طبق گزارش خبرگزاری پارس از تبریز، هفته گذشته بدنبال ایجاد درگیری بین گروههای مختلف یکی از مدارس دخترانه اهر که منجر به زخمی شدن تعدادی از دانش‌آموزان شد، فرماندار اهر با انتشار اطلاعیهای فعالیت‌های سیاسی را در مدارس آن شهر ممنوع اعلام کرد.

این نمونه کوچک دیگری است از تصمیمات خودسرانه و غیر قانونی و مهمتر از همه غیر عملی کار بدستان حکومتی که بجای ایجاد محیطی سالم و بدور از دخالت نیروهای اخلاک‌گر برای فعالیت‌های سیاسی سازنده در مدارس، اقدام به صدور اطلاعیهای آنچنانی مینمایند. باید از آقای فرماندار اهر پرسید که این اطلاعیه شما غیر از هرج و مرج و ایجاد فشار و اختناق چه اثر دیگری میتواند داشته باشد؟ آیا شما فکر میکنید باین روش قادر به حل اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک و جلوگیری از منازعات دانش‌آموزان مدارس خواهید شد؟

نامه‌های رسیده

خانم فرزانه فریدونی از نوشهر مینویسد.

امسال هم برنامه‌ی امتحانات دانش‌آموزان مثل سال‌های پیش است. من سه فرزند دارم یکی در دبستان یکی در راهنمایی و سومی در دبیرستان مشغول تحصیلند. فرزند بزرگم همین روزها تعطیل خواهد شد کار فرزند دوم برودی تمام میشود ولی سومی که کوچکتر و کم‌طفاقت‌تر است تا اواخر حرداد باید به مدرسه برود.

چه ضابطه‌ای در تشخیص این حدنصاب وجود دارد؟! چرا باید بزرگترها، که نبود برنامه‌ی تابستانی صحیح و کمبود باشگاهها و مجتمع‌های ورزشی و محدودیت کتابخانه‌ها و دیگر سازمان‌هایی که میتوانند ساعتی از وقت جوانها را در خود بگذرانند و از بیکاری که فسادآفرین است جلوگیری نمایند، زودتر راهی خانها شوند و بچه‌های کوچک در گرمای تابستان به مدرسه بروند؟

خانم مهناز سروش از تهران مینویسد.

در برنامه اخبار ساعت نه ونیم چهارشنبه دوم اردیبهشت ماه فیلمی از تلویزیون پخش شد که نشان دهنده‌ی برخورد گروهبانهای درگیر در جلوی بیمارستان امام خمینی بود.

در این فیلم دیدن مردمی که لباس سفید بیمارستان برتن و پلاستیکی بر سر داشت و توسط پاسدار همراهی میشدند و در نهایت خونسردی از بالای ساختمان سنگ بر سر اجتماع میریخت این سوال را در ذهن تماشاچی پدید میآورد که او کیست؟ سنگها در اتاق بیمارستان در چه موقع نگهداری شده؟

آیا بیمار روانی است یا جنایتکار حرفه‌ای که به این لباس درآمده و بجان مردم افتاده، و جنایتکار دیگری او را حمایت میکند؟! صدای ناله‌ی زنی که فروریختن سنگ را خبر میداد نیز در فیلم بگوش میرسد!!

آنچه مرا برانگیخت تا این برنامه را برای روزنامه‌ی شما بنویسم این بود که هیچ نشانی از پی‌گیری و شناسائی این دو مرد در روزنامه‌ها و خبرهای رادیو تلویزیونی ندیدم و نشنیدم در حالیکه با استفاده از آن فیلم شناسائی آن دوتن به آسانی امکان‌پذیر بود. این توهم پیش نمی‌آید که نیروهای فشار در همه جا حاضرند و از همه امکانات برخوردار و هیچ وحشتی از قانون و مردم هم ندارند؟!

خانم نسرین مولائی مینویسد.

در دو هفته گذشته تلویزیون برای چند شب در شروع خبرها، سرودای ایران را پخش کرد. پخش این سرود قدیمی ملی در قلبهای ما شور و شوق بسیار پدید آورد. ولی با کمال تأسف پخش این سرود بیش از چند شبی دوام نیاورد. پخش این سرود به مناسبت قطع رابطه ایران و امریکا آغاز شد. و هدف از آن هم شاید گرم داشتن احساس‌های ملی و ضد امپریالیستی مردم بود مبارزه ضد امپریالیستی ما که هر لحظه اوج بیشتر و گرمای بیشتری می‌یابد اقتضای کند که این سرود به همان نحو به هنگام شروع خبر پخش شود.

آقای حسین اکرمی زاد از شهرری می‌نویسد

از آغاز بیروزی انقلاب گردهمانی فشار تحت عنوان حزب اله به دستجات و گروهها حمله میکنند و حاصل آن همیشه تعدادی زخمی و احیاناً کشته می‌باشد و تا آنجا که بیاد دارم بعد از برنامه‌ی وزیر کشور وقت ضمن محکوم کردن این اعمال وعده میدهند برای شناختن مسئولان و دست اندر کاران و احیاناً دستگیری آنان اقدام میکنند ولی هیچ اثری از این اقدام مشاهده نمیشود و معلوم نیست چرا وقتی کمیته‌ها و پاسداران میتوانند گروه فرقان را شناسائی و دستگیر کنند در اینمورد موفق به شناسائی نمیشوند و حتی هنگامیکه چند ماه قبل در دانشکده فنی موفق به دستگیری تعدادی از این افراد شدند بفاصله کوتاهی آنها را آزاد کردند راستی چه دستی در کار است و این افراد از کجا تقویت میشوند؟!

مرگ تیتو

آن گرد شتابنده که بر دامن صحراست گوید چه نشینی که سواران همه رفتند

تیتو، سر بزیر، همسفر صمیمی مردم یوگسلاوی که نزدیک به چهل سال آنها را در تمامی لحظات سخت گذر زندگی، یاری داد رخت بفر بپرست.

تیتو، آرمانخواهی بردبار و ولت‌مردی بزرگ بود که بارها مورد ستایش مردانی چون ناصر، نهر و سوکار نوفرار گرفت. سالها، نام تیتو را به بیان کننده‌ی یک شیوه‌ی حیات سیاسی و یک بینش ایدئولوژیک بود، سایه‌ی بلند تیتو برای ملت‌هایی که در راه آزادی و استقلال بیکار میکنند، نویدبخش، فردای روشن‌هایی بود.

نام تیتو یادآور آزادی و نفی هرگونه وابستگی. آرمان ملت: در گذشت این رهبر بزرگ رابه ملت یوگسلاوی و همه‌ی ملت‌های جهان سوم تسلیت میگوید.

نظم و کار، پایندان پیروزی دوران سازندگی انقلاب